

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است. چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب آزاد است. استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.

۵ راه برای عبور از تک بعدی شدن
 صفحه ۶



تناقضات روشنفکرانه
 صفحه ۵



اگر رئیس جمهور شوم، توسعه فرهنگی را در اولویت قرار می‌دهم. هدف، نوشتن مقالات نیست چون این نوع هدف گذاری پایین آوردن سطح علم است. ایران باید به جایی برسد که دیگران به ما تأسی کنند و نه نگاه ما به کتاب، مقالات دیگران باشد. هفتگی وصیت نامه‌ام را به روز می‌کنم.



استاد برگزیده جهانی مهندسی برق در گفتگو با چشمه: آرزویم این است در علوم انسانی هم جزء بهترین‌ها باشیم



سلام همکلاسی
 پیامک شادکام

باز هم بوی ماه مهر. مهر برای خیلی از ما خاطره انگیزه است. اصلا ما دانشگاهیان مهر ماهی هستیم. شاید بد نباشد برگردیم به دوران مدرسه. اول مهرماه. کتاب را که باز می‌کردیم پیرجماران امیدش به ما بود. آنجا که می‌گفت: «چشم امید من به شما دبستانی‌هاست.» بیخود نیست که می‌گویند ناگهان چقدر زود دیر می‌شود. حالا هر کدام از شما برای این انقلاب آمیدی شده‌اید. هنوز هم چشم امید خیلی‌ها به شماست. شمایی که حالا برای خود اهداف بلندی را ترسیم کرده‌اید و قدم به قدم جلو می‌روید. شاید آن زمان این جمله امام را که می‌خواندیم درک کاملی از این جمله نداشتیم. اما حالا هر کدام می‌توانیم ساعت‌ها پیرامون این جمله حرف بزنیم. قطار انقلاب در حال حرکت است و هر از چند گاهی از مسیرهای پر پیچ و خم حرکت می‌کند، اما توقف ندارد. این قطار برای خود مقصدی دارد. ما حالا برای خودمان خاک خورده این قطاریم. حالا هر کدام در گذر عمرمان خاطرات بسیاری با این قطار داریم. ای کاش می‌شد یکبار دیگر فقط از باب یادآوری و تذکر رجوع کنیم به صحیفه امام. مردی که دیروز چشم امیدش به ما بود حالا از ما چه می‌خواهد؟ حالا از دانشگاه و دانشجو چه انتظاری دارد؟ او اکنون مقدرات کشور را به ما می‌سپارد و می‌گوید: "دانشجویان ذخایر این ملت هستند، مقدرات مملکت ما در آینده به دست دانشجویان امروز است ... شئونات مختلف کشور در دست دانشجویان است که آتیه کشور را آنها باید اداره بکنند ... سعادت یک مملکت کلیدش به دست معلم است و به دست دانشجو ... بنابراین هر مملکتی در عالم، هر کشوری در عالم موجودیتش بسته است به دست دانشجو و معلم."

نشریه چشمه آغاز سال تحصیلی جدید را به جامعه دانشگاهی دانشکاه تربیت مدرس به ویژه دانشجویان جدیدالورود صمیمانه تبریک گفته و از خداوند متعال توفیق روزافزون دانشگاهیان عزیز را به منظور فراگیری علم و دانش به همراه تقوا و ایمان مسئلت دارد.

شد. علاوه بر کارگاه‌های آموزشی مذکور، برگزاری نشست هم اندیشی استادان با موضوع "اخلاق حرفه‌ای در غرب" با حضور پروفیسور عبدالعزیز ساشادینا اسلام شناس و استاد مطالعات مذهبی دانشگاه ویرجینیا از برنامه‌های دیگر این دوره بود. در این دوره فوق برنامه‌هایی از جمله بازدید از رواق دارالهدایه به منظور آشنایی هر چه بیشتر با آستان قدس رضوی همراه با اهدای بسته معنوی فرهنگی متبرک و نیز بازدید از تفرجگاه بعثت برای استادان و خانواده‌های ایشان پیش‌بینی و اجرا شد. در پایان ضمن مراسم اختتامیه، هدایایی نیز به شرکت کنندگان اعطاء گردید.

ضیافت اندیشه‌ها



پس از مراسم افتتاحیه، خوش آمدگویی و آشنایی اولیه شرکت کنندگان، در قالب دو کارگاه آموزشی تحت عنوان «اخلاق حرفه‌ای» توسط حجت الاسلام دکتر حرفه‌ای و «چرائی فراز و فرود تمدن اسلامی و نقش استادان» توسط حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد.

دکتر احمدی: نظریه پردازی جزئی از فرهنگ دانشگاه می‌شود

وجود اندیشمندان خوب نیز بهره‌مند باشد، خودشان به سمت اندیشیدن و حل مساله می‌روند، اما نکته حائز اهمیت این است که باید بستر مناسب برای اندیشمندان مهیا شود و کار را محتوایی شروع کنیم. دکتر شعبان الهی نیز در ادامه نشست وظیفه ذاتی دانشگاه‌ها را تولید نظریه دانست و گفت: رشد علم در کشور دارای شیب مناسبی بوده است، اما این روند رشد در همه رشته‌ها یکسان نبوده و در علوم انسانی و هنر متأسفانه کمتر دیده شده است. وی افزود: علوم انسانی و هنر اهداف و جهت توسعه را مشخص می‌کنند و اگر در این حوزه‌ها خوب کار شود سایر حوزه‌ها نیز جهت گیری مناسبی خواهد یافت. وی تأکید کرد: باید روند برگزاری کرسی‌های نظریه پردازی در کشور آسیب‌شناسی شود و الگوی حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی مجدداً تدوین و ارائه شود و بر اساس آن برنامه عملیاتی تدوین گردد. همچنین اساتید باید برنامه پژوهشی داشته باشند و پژوهش‌های بین رشته‌ای و چند رشته‌ای توسعه یابد. در پایان نشست تفاهم نامه همکاری بین دبیرخانه هیات حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی با اعضای کمیته دستگامی نظریه پردازی، نقد و مناظره به امضا رسید.



حمایت از پایان نامه‌ها و رساله‌ها که حاوی نوآوری و ایده‌های بومی هستند و حمایت‌های ترویجی و گفتگویی از نظریات بدیعی که ارائه می‌شود و حمایت از کارگاه‌ها، میزگردها و سمینارها در زمره حمایت‌های کمیته قرار دارد. وی با اشاره به برخی موانع شناسایی شده برای تفکر و نظریه پردازی اظهار داشت: سوء نظر و سوء تدبیر برخی مدیران میانی خارج از دانشگاه، نان قرض دادن‌های علمی و فقر معرفتی از جمله این موانع هستند. وی افزود: روسا و مسئولان دانشگاه باید فکر کنند که چگونه می‌توان مساله آزاد اندیشی و اتاق فکر شیشه‌ای را در دانشگاه ایجاد کنند و روسای دانشگاه باید تمام قد وارد مساله شوند و آزاد فکر کردن را در دانشگاه راه اندازی و حمایت کنند. در ادامه دکتر امین ناصری معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه در سخنانی اظهار کرد: اگر جامعه با مساله‌ای مواجه باشد و از

ترویج کرسی‌های نظریه پردازی اشاره کرد و گفت: ما سلسله مباحثی تحت عنوان سخنرانی‌های موضوعی برای اعضای کمیته دستگامی برگزار کردیم تا فضا را برای مفهوم سازی کرسی‌های نظریه پردازی در حوزه‌های مختلف باز کنیم و دکتر حافظ نیا و دکتر مختاباد تاکنون به ارائه سخنرانی پرداخته‌اند و سخنرانی‌های دیگری نیز برنامه ریزی شده تا در آینده ارائه گردد. در ادامه دکتر مصطفی اسماعیلی رئیس کمیته دستگامی دبیرخانه هیات حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی به مفاد تفاهم نامه میان دانشگاه و کمیته ذی ربط اشاره و تأکید کرد: حمایت‌های کمیته دستگامی شامل حمایت از انواع کرسی‌ها مانند کرسی‌های علمی نظریه پردازی، نقد و نوآوری، کرسی‌های ترویجی و کرسی‌های آزاد اندیشی و پاسخ به سوالات و شبهات می‌باشد. همچنین

شهریور ماه سال ۱۳۹۴ مراسم «ضیافت اندیشه» ویژه استادان و اعضای هیأت علمی در چهارمین سال برگزاری توسط دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه تربیت مدرس از تاریخ ۱۰ لغایت ۱۳ شهریور در مشهد مقدس برگزار گردید. زمان برگزاری این مراسم به دلیل همزمانی با فراغت اساتید، ایام تعطیلی دانشگاه و ایام زیارتی امام رضا (علیه السلام) فضای معنوی خوبی را برای استادان رقم زده بود. این دوره که با مشارکت ۳۰ نفر از اساتید دانشگاه تربیت مدرس همراه بود،

سومین نشست کمیته دستگامی کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره با حضور رئیس کمیته دستگامی دبیرخانه هیات حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شد. در ابتدای این نشست دکتر احمدی رئیس دانشگاه در سخنانی تصریح کرد: کمیته‌های جدید که به صورت ویژه برای مأموریت یا هدف خاصی تشکیل می‌شوند با روال‌های جاری دانشگاه در تضاد است و این کمیته دستگامی می‌تواند چند وقت یکبار تشکیل و نقش سیاست گذاری و هدایت فرایند را برعهده داشته باشد. این امر به مرجعیت علمی استادان و محققان دانشگاه منتهی می‌گردد و نظریه پردازی جزئی از فرهنگ دانشگاه می‌شود. وی افزود: باید از پراکنده کاری در گروه‌ها خودداری شود و گروه‌ها زنجیره منسجمی را به عنوان نقشه راه داشته باشند. نظریه پردازی‌ها اگر ببینند نتیجه کارشان به کار گرفته می‌شود و هسته حاکمیتی و فرهنگی کشور پشتیبان آنهاست دلگرم می‌شوند و این مساله بسیار مهمی است. در ادامه دکتر فتح الهی معاون پژوهشی دانشگاه در سخنانی به فعالیت‌های صورت گرفته در دانشگاه در خصوص توسعه و

یمن در چه وضعیتی قرار دارد؟



پادداشته

تأثیر انقلاب اسلامی در عربستان

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ شمسی، ایران و انقلاب اسلامی ایران با شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب شیعه، کانون پخش و تراوش در منطقه شد و چنان تأثیرات قوی در منطقه داشت که کسانی هم که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند تحت تأثیر آن قرار گرفتند. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی فرآیندی دائمی و پایدار بوده است. البته این بدان معنا نیست که در تمامی دورانی که از حیات انقلاب اسلامی می‌گذرد این فرآیند با یک سرعت و شدت صورت گرفته بلکه در این دوران ما شاهد فراز و نشیب‌هایی در این تأثیرگذاری بوده‌ایم.

کشور عربستان به دلایل مذهبی، سیاسی، ژئوپلیتیک، اقتصادی و جغرافیایی همواره از جایگاه ویژه و برجسته‌ای در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام برخوردار بوده است. از سوی دیگر شرایط حاکم بر این کشور آن را به یک محیط پذیرا برای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این کشور تبدیل کرده است.

جمهوری اسلامی از مسیره‌های متعددی امکان تأثیرگذاری بر جامعه عربستان، به ویژه شیعیان این کشور را داشته است. از جمله این مسیره‌ها می‌توان به مواردی چون راهپیمایی برائت از مشرکان در مراسم حج و پیام‌های امام خمینی (رحمه الله علیه) به این منظور، راه اندازی دفتر جبهه آزادی بخش شبه جزیره عربستان در تهران، انتقاد مقامات جمهوری اسلامی از رهبران سعودی و روش کلی آن‌ها در قبال مسائل منطقه و جهان اسلام و ارتباط نزدیک با آمریکا، اجازه ورود به اتباع شیعه عربستان به ایران برای تحصیل در حوزه علمیه قم، در اختیار گذاردن بخش عربی صدای تهران به جنبش طلایه داران رسالت، مراسم‌های سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سخنرانی‌های علمای شیعی در حمایت از انقلاب اسلامی، پذیرش دیدگاه شیعه در باب نفی حکومت ظالمانه از سوی گروه‌هایی از اهل سنت و غیره اشاره نمود.

امیر مسروری، رئیس اندیشکده مطالعات جهان اسلام

از ابتدای حمله سعودی‌ها به یمن، تحلیل‌های مختلفی پیرامون مسئله تجاوز جنایتکارانه سعودی‌ها مطرح شده است و نکات مختلفی را در بردارد. مهمترین موضوع در این مسئله اصل تجاوز و اقدام جنایتکارانه و ضدبشری سعودی‌هاست. موضوعی که حتی داد مجامع بین المللی به ویژه فعالان حقوق بشری در سراسر جهان را در آورده و همگان به بخرنج بودن آن اعتراف نمودند. بر همین اساس باید چند نکته را یادآور شد:

۱. در ابتدای حمله سعودی‌ها، موضوعی مانع از پاسخ مستقیم یمنی‌ها به دولت سعودی شد. انصارالله و ارتش با صبر خود در افکار عمومی جهان نشان‌دادند سعودی‌ها به بهانه‌ای واهی حمله‌ی شنیع و غیرقابل دفاعی انجام دادند و این توانست با صبر ملت یمن در افکار عمومی جهان نهادینه شود. مسئله‌ای که منجر شد گروه‌های دیگر یمنی هم بدانند جنایت

سعودی‌ها چقدر به یمن ضربه وارد می‌کند و یمنی‌ها را در کنار هم علیه یک دشمن متجاوز قرار دهد. به طور مثال حزب کنگره مردمی در کنار کمیته‌های مردمی و دیگر گروه‌ها به کمک ارتش آمد تا با دشمن خارجی

مقابله کند. از سویی شاهد هستیم ارتش یمن در این جنگ متوجه شد آنچه پشت استقلال و حمایت ارتش ایستاده است یمنی‌ها و نه تسلیحات غربی و سعودی‌هاست. ارتش، کمیته‌های مردمی را به عنوان بازوهای حمایتی خود پذیرفتند و از آنان استقبال کردند. همین موضوع موجب شد کمیته‌های مردمی در بخش‌های مختلفی از یمن پیروزی‌های شگرفی داشته باشند و افتخارشان برای یمن تثبیت شود. به طور نمونه منطقه جنوبی عربستان به نام نجران، بارها توسط کمیته‌های مردمی مورد حمله قرار گرفت و چندین منطقه کلیدی از این نقطه به تصرف یمنی‌ها درآمد. در حال حاضر فلش حملات یمنی‌ها به عربستان سعودی از حالت تدافعی به سمت تهاجمی سوق پیدا کرده و یمنی‌ها با پیشروی منطقی و اطمینان بخش به سمت قلب نجران و مناطق دیگر عربستان در حال نفوذ هستند. اخیراً اخبار منتشر نشان می‌دهد یمنی‌ها با استفاده از موشک بالستیک اسکاد، مناطق مهمی از عربستان را هدف قرار دادند تا نشان دهند برنامه مشخصی برای ضربه زدن

به دشمن متجاوز دارند. ۲. در شرایطی سعودی‌ها به یمن حمله کردند که با ۹٫۸ میلیارد دلار در سال بزرگترین واردکننده تسلیحات پیشرفته نظامی در جهان هستند. سعودی‌ها در چند دهه‌ی گذشته بسیار بر ارتش خود سرمایه‌گذاری کردند و دلارهای فراوانی برای تبلیغات عظیم این ارتش در جهان خرج کردند. اما پس از حمله‌ی نظامی به یمن نشان‌دادن این ارتش صرفاً یک ماشین نظامی فاقد

کارایی است. بیش از پنج ماه از حمله سعودی‌ها به یمن گذشته است اما ارتش این کشور حتی نتوانسته است با همه توانش دولت منصور هادی را برگرداند و صنعا را مورد تسخیر خود قرار دهد. به عبارت بهتر وقتی سعودی‌ها به یمن

حمله کردند نشان دادند مشتشان در نبردهای نظامی چقدر خالی است و با خرج‌های بی‌خودی فقط نتوانستند چرخ اقتصادی کارخانه‌های اسلحه‌سازی جهان به ویژه آمریکا را رونق بخشند. بر همین اساس می‌توان گفت سعودی‌ها نشان دادند نمی‌توانند به عنوان یک کشور بسیج‌کننده افکار عمومی و یک کشور ژاندارم، پازل غرب را در منطقه دنبال کنند و در صورت هدف قرار گرفتن قادر به دفع این سخن طولانی شدن نبرد با ملت یمن، عدم قدرت در دفع نیروهای انصارالله در مناطق جنوبی عربستان، هدف قرار گرفتن مناطق مختلف این کشور توسط موشک‌های ارتش یمن و حتی کشته‌شدن فرمانده نیروی هوایی این کشور در موشک باران یک پایگاه نظامی عربستان توسط ارتش یمن و دهها مورد دیگر است. به هر حال سعودی‌ها نشان‌دادند فقط قادرند تسلیحات بخرند نه آنکه حتی از آن در حفظ منافع ضدبشری خود استفاده کنند. ۳. حمله سعودی‌ها به یمن صرفاً یک حمله برای برگرداندن حکومت یمن نبود. حکومتی که باید آن را منصوب

از شورای خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ دانست نه ملت. به عبارت دیگر سعودی‌ها برای سرکوب بیداری اسلامی در یمن با حمله خود علاوه بر فشارهای مختلف به این کشور سناریویی را دنبال نمودند تا با فراغت یمنی‌ها از تجاوز، دورانی را بگذرانند که دیگر هیچ کاری به مقابله با صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها نداشته باشند. نگاه به اهداف سعودی‌ها در یمن لیستی را در پیش روی افسراد قرار می‌دهد که در

آن از بیمارستان تا مهدکودک، از آب شیرین‌کن‌ها تا کارخانه‌های مختلف، از ورزشگاه تا مدارس وجود دارد و مناطق مختلفی که در یک کشور به عنوان زیرساخت‌های اساسی هر کشوری بر شمرده می‌شود. بر همین اساس باید

گفت مکانیسمی که سعودی‌ها دنبال کردند مکانیسم تخریب - تخریب بود تا فلج‌سازی ملت یمن را پس از جنگ به وابسته‌سازی برای بازسازی تبدیل کنند. شاید به این صورت سعودی‌ها با خروج پایگاه اجتماعی‌شان با دلار به یمن برگردند. ۴. توافق اخیر در عمان میان گروه‌های یمنی به ویژه انصارالله و بحران یمن یک حرکت یمنی - یمنی است. و یمنی‌ها برای این مسئله جدی هستند. موضوعی که در بند یک نیز اشاره شده است، تجاوز سعودی‌ها حتی اتحاد میان گروه‌های مختلف و حتی مخالف درون یمن را نیز مسنجم نمود و آنان را بدون تعصبات مختلف برای یمن در کنار هم قرار داد. هر چند شاید گروهی زیاده‌خواهی کند اما برای شروع ساخت و استقلال یمن یک حرکت مثبت ارزیابی می‌شود. به واقع باید اشاره کرد انصارالله از ابتدا برآن نبود تا به جنوب حمله و آن را در اختیار خود قرار دهد بلکه پس از خروج منصور عبدربه هادی به عدن و اعلام حکومت در عدن، به سمت

وقتی سعودی‌ها به یمن حمله کردند نشان دادند مشتشان در نبردهای نظامی چقدر خالی است و با خرج‌های بی‌خودی فقط نتوانستند چرخ اقتصادی کارخانه‌های اسلحه‌سازی جهان به ویژه آمریکا را رونق بخشند. بر همین اساس می‌توان گفت سعودی‌ها نشان دادند هرگز نمی‌توانند به عنوان یک کشور بسیج‌کننده افکار عمومی و یک کشور ژاندارم، پازل غرب را در منطقه دنبال کنند و در صورت هدف قرار گرفتن قادر به دفع نیستند. خود قراردارند که بایستی تصمیم بزرگ بگیرند. تصمیمی که می‌تواند از استقلال تا ذلت یمنی‌های اصیل را در پی داشته باشد. و یمن را به جایی برساند که موج جدید بیداری اسلامی در منطقه را تحت تأثیر خود قرار دهد. از سویی شاهد هستیم سعودی‌ها با بی‌خردی و بی‌تدبیری آشکار یک کشور را به نابودی وادار ساختند و با هدف قراردادن تمامی امکانات زیرساختی آن کشور، به دنبال سناریوی پس از جنگ برای ساخت این کشور و وابسته‌سازی‌اش به بیرون هستند. موضوعی که اگر یمنی‌ها از مسئله جنگ فارغ نشوند با بحران پسا جنگ مواجه خواهند شد. آینده یمن فقط به تصمیم اراده‌ها بستگی دارد. اراده‌ای که انصارالله بخش مهمی از آن است. اگر انصارالله به پیش روی خود در مناطق جنوبی ادامه دهد می‌تواند در مذاکرات آینده یمن با قدرت‌تر پای میز مذاکره بنشینند. خبرهای مختلف منتشر شده نشان می‌دهد سعودی‌ها متوجه شدند نمی‌توانند بر اراده ملت یمن غلبه کنند اما نمی‌خواهند بدون دستاورد مشخصی پای میز مذاکره بنشینند. فلج‌سازی یمن و تصرف مناطق یکی از گزینه‌های سعودی بر روی میز مذاکره است تا در آینده یمن نقش مهمتری داشته باشند.

سیاست داخلی دولت یازدهم در شرایط پساتحریم



حبیب رضازاده

دبیر انجمن علمی - دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

کشتی مذاکرات هسته‌ای با تمامی فراز و فرودهایش به ساحل رسید، هر چند زود است با خیال آسوده صحبت از لنگر انداختن در این ساحل شود (به دلیل اینکه توافق حاصل شده، هر چند در شورای امنیت سازمان ملل نیز در قالب قطعنامه مصوب گردید، اما همچنان باید تصویب کنگره آمریکا و مجلس ایران را نیز برای اجرایی شدن کامل داشته باشد؛ حال مسئله‌ای که پرداختن به آن شایسته توجه است، نوع کنش و سیاست‌ورزی دولت یازدهم در شرایط پساتحریم می‌باشد. البته می‌توان این کنش و سیاست‌ورزی را به دو حوزه داخلی و خارجی تقسیم کرد و به بررسی هر یک به صورت مجزا پرداخت و البته تمرکز این نوشتار عرصه داخلی است.

تا پیش از حصول توافق هسته‌ای، عمده توجه دولت آقای روحانی معطوف به سیاست خارجی و به سرانجام رساندن پرونده هسته‌ای بود؛ چراکه گره‌گشایی از این مسئله را مقدمه‌ای برای حصول موفقیت در دیگر زمینه‌ها، از جمله مسائل داخلی می‌دانستند و به این موضوع مکرر اشاره داشتند. از همین رو نیز پس از توافق، بسیاری منتظر مشاهده

تغییر نوع کنش و سیاست‌ورزی دولت آقای روحانی در عرصه داخلی هستند، انتظاری که نمی‌توان به صراحت پاسخی برای آن عرضه داشت.

در واقع چرایی ابهام در پاسخ به نوع کنش و سیاست‌ورزی دولت یازدهم در شرایط پساتحریم در عرصه داخلی

معلول چندین علت است از جمله: ابهام در به سرانجام رسیدن توافق هسته‌ای

انتخابات پیش‌روی مجلس آینده نوع شخصیت آقای روحانی در مورد علت اول، باید بیان داشت، که هر چند بسیاری به تصویب (شاید با وتوی اوباما) توافق هسته‌ای در کنگره آمریکا باور دارند، اما باید متذکر شد که تا آن زمان نمی‌توان با قطعیت از این موضوع سخن گفت و همین امر نیز موجب احتیاط دولت می‌گردد؛ در واقع دولت یازدهم تا تصویب قطعی توافق در کنگره که موجب اجرایی

شدن توافق می‌گردد، نمی‌تواند از آثار توافق در تمامی زمینه‌ها و به ویژه زمینه اقتصادی بهره‌مند گردد و لذا فعلاً نمی‌تواند خود را بر خوردار از دستاوردهای واقعی توافق احساس کند.

علت دوم که مانع از تغییر محسوس کنش دولت در عرصه سیاست داخلی در فضای پساتحریم می‌گردد، بحث انتخابات آتی مجلس است. در واقع شاید برخی معتقد باشند که بخاطر همین

موضوع باید دولت در عرصه داخلی تغییر سیاست دهد؛ وگرنه انتخابات پیش‌رو را به منتقدین و مخالفین خود واگذار خواهد کرد؛ اما در واقع موضوع انتخابات پیش‌رو موجب شده است که دولت یازدهم چندان تمایلی به تغییر کنش در عرصه داخلی یا آشکار نمودن

سیاست خود در این عرصه داشته باشد؛ برای این موضوع چندین دلیل می‌توان بیان داشت، اما مهم‌ترین دلیل آن شخصیت واقعی دولت یازدهم و به ویژه شخص آقای روحانی می‌باشد، شخصیتی که بیشتر به دنبال پیش برد امور و حل مسائل از طریق لابی‌گری و توافق در سطوح بالا می‌باشد.

اما مورد سوم که همانا شخصیت آقای روحانی است که تأثیر خود را بر مورد دوم نیز گذارده است، بسیار مهم‌تر از دو مورد قبل می‌باشد. آقای روحانی هر چند دانش‌آموخته حقوق می‌باشد اما تربیت شده سیاست و

البته بیشتر حوزه‌ی امنیتی - سیاسی هستند. سوابق ایشان نیز گویای این موضوع است؛ در واقع شخص آقای روحانی چندان تمایلی به تغییرات ناگهانی ندارد و لذا تلاش می‌کند تا پیش از هر اقدامی تمامی جوانب را سنجیده و حتی‌المقدور پیش از هرگونه کنشی، توافقات و لابی‌های لازم را با صاحب‌نفوذان آن حوزه داشته باشد. این موضوع خود باعث گردیده که بسیاری بدون توجه به آن، انتظاراتی از

دولت یازدهم در شرایط پساتحریم داشته باشند که شاید هرگز مطرح و اجرایی نگردد.

برای اینکه شاهد تغییر رویکرد دولت یازدهم در عرصه سیاست داخلی باشیم باید چند اتفاق رخ دهد:

تصویب توافق هسته‌ای در کنگره آمریکا و آغاز فرآیند اجرایی شدن توافق که

منجر به لمس آثار توافق در زندگی روزمره و اقتصاد کشور گردد.

برگزاری انتخابات آتی مجلس و مشخص شدن ترکیب آن؛ در صورتی که ترکیب مجلس آتی هم‌سوتر با دولت روحانی گردد، شخص روحانی احتمالاً برخی از وزاری کابینه را تغییر دهد که وزیر کشور در خط مقدم این تغییرات خواهد بود و همین امر نیز موجب تغییر کنش دولت یازدهم در عرصه سیاست داخلی خواهد شد.

اما مورد سوم و شخصیت شخص آقای روحانی، جالب اینکه نباید انتظاری در ایجاد تغییر در شخصیت

آقای روحانی داشته باشیم؛ در واقع آقای روحانی همچون بسیاری از افراد امنیتی - سیاسی بسان، شطرنج‌بازان باتجربه و البته محتاط، حرکاتشان را براساس زمینه‌ی بازی تغییر می‌دهند و لذا کمتر شاهد خواهیم بود که این تیپ از افراد، برای زدن سرباز مخالف، بی‌محابا اقدام کنند و لذا زمانی که توافق هسته‌ای در کنگره آمریکا تصویب و ترکیب مجلس آتی به نفع دولت تشکیل یافت، شاهد تغییر کنش و سیاست‌ورزی

دولت یازدهم در عرصه داخلی خواهیم بود.

در انتها باید بیان داشت که برای اینکه در نوع کنش دولت یازدهم در عرصه سیاست داخلی تغییری رخ دهد، تنها توافق هسته‌ای (آنچه تا کنون به وقوع پیوسته، کافی نیست و باید منتظر سرانجام توافق و همچنین انتخابات

مجلس آتی نیز بود، در آن زمان اگر در زمینه‌ی بازی، تغییری رخ دهد؛ شاهد تغییر کنش و رفتار دولت یازدهم (به ویژه شخص رئیس‌جمهور) در عرصه سیاست داخلی خواهیم بود؛ البته باید به یاد داشت که یک شطرنج‌باز باتجربه همان‌گونه که بی‌محابا حرکتی را انجام نمی‌دهد؛ صرفاً نیز منتظر تغییر در زمینه‌ی بازی از جانب رقیب نمی‌ماند و خود نیز با حرکات سنجیده سعی در تغییر زمینه‌ی بازی خواهد داشت.



تاریخ مستطاب آمریکا



تاریخ مستطاب آمریکا

تاریخ ایالات متحده آمریکا خیلی جدی است! آن قدر جدی که حتی بخش‌ها و قسمت‌های شوخی آن هم جدی است! (تعجب نکنید! آن‌هایی که تاریخ را می‌شناسند، می‌دانند قسمت‌هایی از تاریخ هر جایی شوخی است! یعنی همه جای یک تاریخ نمی‌تواند جدی باشد! مثلاً ساختن مناره با کله‌ی مردم کرمان توسط آقامحمدخان قاجار به نظر

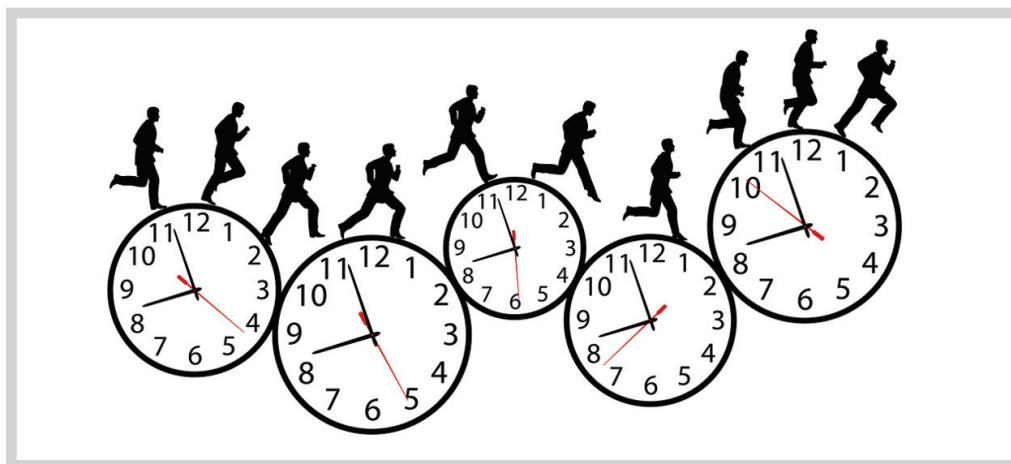
شما شوخی نیست؟) و طبیعی است شوخی کردن با این تاریخ بسیار جدی، کار ساده‌ای نیست! آمریکایی‌ها بر خلاف ظاهرشان بیش از حد مجاز جدی‌اند! هدف کتاب، آموزش تاریخ نیست بلکه روایت آن است! به همین دلیل هرچه در این کتاب می‌خوانید «مستند» است! یعنی منابع و اسنادش موجود است! هیچ مطلبی بدون سند نیامده! اما راست و دروغش گردن ما نیست! گردن نویسنده‌گان محترم مطالبی است که نشانی آن‌ها در انتهای هر مطلب آمده!

تحقیق دارند به منابع مراجعہ کنند و آن‌هایی که بی‌حال و حوصله‌اند به ما اعتماد کنند!

نگارش متن طنز را دکتر محمدصادق کوشکی و طراحی کاریکاتورها را نیز مازیار بیژنی انجام داده‌اند. این پروژه سه فصل کلی دارد: ۱- تشکیل آمریکا ۲- آمریکا در جهان ۳- آمریکا و ایران

کتاب تاریخ مستطاب آمریکا از پس این مهم برآمده است. آن هم در حالی که تاریخ و جغرافی و تفکر و همه چیز دیگر در آمریکا به سه موضوع اصلی و محوری بازمی‌گردد: «دموکراسی»، «حقوق بشر» و «آزادی». اصولاً هیچ چیز در آمریکا نیست که به این امور مربوط نباشد.

نه اصل تا خوشبختی



پیاده‌رو

منیره سادات میراحمدی
دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات
زنان دانشگاه تربیت مدرس

تابحال چقدر برای کارهای روزمره تون برنامه‌ریزی کردین؟ و یا تا چه حد به برنامه‌ای که تنظیم کردین، عمل کردین؟ بعضاً پیش می‌یاد که یه برنامه‌ای واسه‌ی خودمون می‌چینیم و حتی روی کاغذ میاریمش، اما بعد از یکی دو روز میذاریمش کنار. حالا چرا این برنامه‌ریزی مهمه؟ چرا همیشه بهشون عمل کرد؟ در برنامه‌ریزی چه اصولی رو باید رعایت کرد تا قابل اجرا بشه؟

پاسخ تمامی سوالات، شاید آشنا و یا تکراری باشه، اما مرور برخی نکات برای استفاده‌ی بهتر ما از زمان ضروری بنظر می‌رسه.

پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» وقت را سرمایه‌ی بندگان خدا دانسته است. باید از فرصت‌ها استفاده کرد و برای استفاده‌ی بهینه از این فرصت نیاز به نظم و برنامه‌ریزی داریم. در حقیقت نداشتن این برنامه‌ریزی موجب اتلاف وقتی است که ارزشش را جز طلا برابری نیست. اما چطور یک برنامه‌ریزی مناسب و قابل اجرا داشته باشیم؟ در اینجا به چند اصل به طور مختصر اشاره می‌کنیم:

اصل اول: داشتن هدفی صحیح، ارزشمند و قابل اجرا
انسان عاقل هیچ‌کار و حرکتی را بدون هدفی صحیح و ارزشمند شروع نمی‌کند. پس تلاش کنید تا برنامه‌ریزی درست و قابل دسترسی و نه دور از انتظاری را ترتیب دهید.

اصل دوم: جامعیت برنامه
بدین معنا که به انواع نیازهای فردی و جمعی که از لوازم برنامه‌ی صحیح و معقول است، توجه شود، همانطور که مولای متقیان علی (ع) نیز فرمودند:

«انسان مؤمن ساعات زندگی‌اش را به سه بخش تقسیم می‌کند. بخشی را صرف مناجات با پروردگارش می‌نماید، بخشی را در طریق تأمین معاش زندگی بکار می‌گیرد و بخشی را نیز برای استراحت و بهره‌گیری از لذت‌های حلال و دل‌پسند انتخاب می‌نماید و برای انسان خردمند صحیح نیست که حرکتش جز در یکی از این سه مورد باشد: یا در راه تأمین

اغلب قابل اجرا نبودن برنامه‌ریزی ما به دلیل فوق توان بودن آن است. در روایتی از امام علی (ع) می‌خوانیم که فرمودند: «خود را بیش از آن مقداری که تو را کفایت میکند، به زحمت نینداز.» پس بایستی توان خود را از جهات مختلفی همچون توان روحی، توان جسمی، توان علمی، توان مالی، ابزار کافی و زمان کافی مد نظر قرار دهیم.

معاش، یا عبادت و امورا آخرت و یا در لذت و آسایش غیر حرام». با دقت در این روایت، معلوم می‌شود که حضرت، برنامه‌ای را قبول دارند که جامع نیازهای فرد باشد. نیازهای فرد را نیز می‌توان به دو

بخش کلی تقسیم نمود:

۱. خواسته‌ها و نیازهای فرد که شامل: الف) نیازهای جسمی، ب) نیازهای روحی و روانی و ج) نیازهای فکری و عقلانی است. ۲. خواسته‌ها و نیازهای جمعی که دربرگیرنده‌ی: الف) نیازهای مربوط به اطرافیان. ب) نیازهای مربوط به جامعه. ج) نیازهای حکومت‌اسلامی است.

اصل سوم: تناسب برنامه با توان ما
اغلب قابل‌اجرا نبودن برنامه‌ریزی ما به دلیل فوق توان بودن آن است. در روایتی از امام علی (ع) می‌خوانیم که فرمودند: «خود را بیش از آن مقداری که تو را کفایت می‌کند، به زحمت نینداز.» پس بایستی توان خود را از جهات مختلفی همچون توان روحی، توان جسمی، توان علمی، توان مالی، ابزار کافی و زمان کافی مد نظر قرار دهیم.

اصل چهارم: اولویت‌بندی برنامه‌ها
اولویت‌بندی یعنی برنامه‌هایی را که مهم‌ترند، مقدم کنیم بر برنامه‌هایی که از اهمیت کمتری برخوردارند. **اصل پنجم: بهره‌وری از زمان**
در برنامه‌ریزی لازم است توجه داشته باشیم که هیچ ساعتی را نباید بدون برنامه باشیم، یعنی با رعایت تمام اصول

قبلی، سعی کنیم برنامه را به صورت فراگیر طراحی کنیم به طوری که برای تمامی شبانه‌روز خود برنامه داشته باشیم. علامه مجلسی در تفسیر این بخش از سخن امام علی (ع) که فرمودند: «المؤمن ... مشغول وقتَه»، مشغولیت وقت را بدین صورت معنا کرده‌اند که مومن غرق در عبادت و ذکر و تفکر در آیات الهی و تحصیل علم و بذل و نشر علم و مانند آن

انسان باید برنامه‌های را در دستور کار خود قرار دهد که جزو وظایف اوست زیرا برای کاری که وظیفه اش نبوده، مورد بازخواست قرار خواهد گرفت که چرا وقت خود را صرف کار دیگری کرده است. همانطور که امام علی (ع) نیز فرمودند: «رها کن آن چیزی را که برای تو مهم و ضروری نیست و مشغول امور خود شو که تو را نجات می‌دهند.»

است و حاصل مطلب این است که مومن وقت خود را ضایع نمی‌کند. **اصل ششم: تنوع در برنامه‌ها**
برنامه‌ای که در نظر می‌گیریم بخصوص اگر برای مدتی طولانی است، باید تنوع داشته باشد؛ زیرا یکنواختی برنامه،

معمولاً باعث خستگی و زدگی می‌شود. **اصل هفتم: چینش و قابلیت انعطاف برنامه**
از آنجا که گاهی بی‌نظمی دیگران و یا حوادث غیرمترقبه در به هم خوردن برنامه‌ریزی ما نقش دارد، برنامه‌های ما باید قابلیت انعطاف داشته باشد.

اصل هشتم: تناسب برنامه با وظایف انسان
انسان باید برنامه‌ای را در دستور کار خود قرار دهد که جزو وظایف اوست زیرا برای کاری که وظیفه‌اش نبوده، مورد بازخواست قرار خواهد گرفت که چرا وقت خود را صرف کار دیگری کرده است. همانطور که امام علی (ع) نیز فرمودند: «رها کن آن چیزی را که برای تو مهم و ضروری نیست و مشغول امور خود شو که تو را نجات می‌دهند.»

اصل نهم: مشورت کردن
انسان معمولاً در هیچ‌کاری از مشورت با صاحبان تجربه و کارشناسان بی‌نیاز نیست، بنابراین در این امر مهم برنامه‌ریزی نیز بهتر است مشورت کند تا زودتر به نتیجه برسد.

حضرت امیر (ع) فرموده‌اند: «وقالت تو همان اجزای عمر تو هستی، پس هیچ وقتی را نابود نکن مگر در اموری که باعث نجات تو شود». امام خمینی (ره) نیز جزو آن دسته از افرادی بوده‌اند که به معنای واقعی از ائمه‌ی اطهار «علیهم» دقیق برنامه‌ریزی می‌کردند که بعضاً افراد ساعاتشان را با ساعت ورود و خروج ایشان تنظیم می‌کردند. ان شاءالله ما نیز جزو آن دسته از افرادی نباشیم که مخاطب این بیت هستند:

« سرگشته‌چو پرگار همه عمر دویدیم
آخر به همان نقطه که بودیم رسیدیم»
و همیشه این گفته را با خود زمزمه کنیم که «این قافله‌ی عمر عجب می‌گذرد».

منبع:
«نظم، آنچه همه دوست دارند، ولی...»، از آقا مجتبی‌تهرانی.

کار آفرین باشید



اپیون

امیرصادقی
دبیرانجمن مدیریت دانشگاه تربیت مدرس

از جمله مهم‌ترین دلایل شکست کارآفرینی، در نظر نگرفتن نظر و خواست مشتری است. اگر به دنبال راه‌اندازی کسب و کار جدید هستید، حتماً ابتدا به مشتری بنگرید. این جمله یعنی اینکه نیاز مشتری را درک کرده، سپس برای آن محصول تولید کنید. به عنوان مثال در خصوص تله موش، آیا ظاهر تله موش برای مشتری مهم است؟ یا کارکرد و عملکرد آن؟ شما اگر زبباترین تله موش را بسازید در حالی که نتواند موش را به دام بباندازد، به هیچ عنوان محصول موفق و پرفروشی نخواهید داشت. ولی اگر به جای تله موش وسیله‌ای بسازید که تعداد موش

ماهی قزل‌آلای طلایی پرورش دهید؛ یک راه برای تخمین مشتری این است که سراغ ماهی‌فروشی‌ها بروید و از آنها در خصوص تعداد مشتری در ماهی‌های مشابه، مانند ماهی قزل‌آلای رنگین کمان سوال کنید. با توجه به تخمین تعداد مشتری و قیمت می‌توانید درآمد احتمالی کسب و کار را به صورت روزانه، ماهانه و سالیانه تخمین بزنید. اگر محصول مشابه وجود نداشت، و محصول شما کاملاً نوآورانه بود، بهتر است با کمک گروه مشتریان احتمالی تعداد فروش محصول و درآمد را تخمین بزنید.

برای این کار می‌توانید با طراحی سوالاتی از مشتریان احتمالی میزان تمایل آنها در خرید محصول را تخمین بزنید. در نهایت اینکه یک اصل مهم برای شروع کسب و کار، تخمین تعداد مشتری است؛ چرا که تخمین تعداد مشتری، شروع برنامه‌ریزی برای آینده کسب و کار است.

وجود دارد. اگر همان محصول در بازار موجود است؛ راحت‌ترین راه این است که سراغ آمار فروش در گذشته برویم. یعنی ببینیم این محصول در گذشته در بازار چه میزان فروش داشته است. راه دیگر این است که سراغ محصولات مشابه برویم. یعنی اگر مثلاً شما می‌خواهید

آن بیشتر از درآمد فروش آن باشد، و اگر بازگشت سرمایه آن به دلیل عدم وجود مشتری بسیار طولانی باشد، یعنی اساساً تولید این محصول کار اشتباهی بوده است. بنابراین تخمین تعداد مشتری محصول تولیدی شما بسیار با اهمیت است. راه‌هایی برای تخمین مشتری

بیشتری را به دام بباندازد، محصول شما فروش بیشتری خواهد داشت. بنابراین درک نیاز مشتری بسیار اهمیت دارد. یکی دیگر از مسائل مهم در خصوص شروع کسب و کار جدید، تعداد مشتریان احتمالی محصول شماست. اگر شما محصولی تولید کنید که هزینه‌های تولید

تناقضات روشنفکرانه



مهدیه محمدتقی زاده
دانشجوی دکتری مطالعات زنان
مقدمه

جنبش فمینیست اگر چه می توانست گزینه مناسبی برای ارتقا وضعیت زنان، رفع ظلم و انزوای آنان باشد، اما با پدید آمدن انحرافات در اصول بنیادین آن و همچنین تأثیر عرصه جهانی بر این نهضت، از دستیابی به آرمان های خود بازماند و هر چند می توانست زنان را تا حدودی در عرصه های اجتماعی فعال نماید، اما با تأکید بیش از اندازه بر رشد اجتماعی زنان، آنان را در عرصه های اخلاقی، شخصی، عاطفی، اعتقادی و... دچار مشکلاتی ساخت. فمینیسم با طرح محوری موضوع آزادی جنسی زن و طرد نقش های کلیشه ای مادری و همسری در خصوص ازدواج و خانواده دچار تعارضاتی گردید و موضع گیری خاصی را در این راستا اتخاذ نمود که عمدتاً در جهت مخالفت و حذف این

بنیان های اجتماعی بود. از نقطه نظر فمینیسم رادیکال، مردان در جایگاه سلطه هستند و ارتباط با آنان انقیاد زنان را در پی دارد، لذا سیستم های متعامل زنان و مردان، باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. این تندروری های فمینیستی علی رغم ظاهر فریبنده اش، ناهنجاری های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی بسیاری را ایجاد نمود که اگر چه اکنون با شکست در تعیین جایگاه مطلوب برای زنان، به بن بست رسیده است اما هرگز نمی توان تأثیر نابهنجار آن را انکار نمود.

ناهنجاری های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی بسیاری را ایجاد نمود که اگر چه اکنون با شکست در تعیین جایگاه مطلوب برای زنان، به بن بست رسیده است اما هرگز نمی توان تأثیر نابهنجار آن را انکار نمود.

فمینیست ها از اواخر دهه ۶۰ میلادی، مبارزه علیه خانواده سنتی را که مردان، به عنوان محور و مدیر و زنان، به عنوان خانه دار بودند؛ آغاز نمودند. هدف اولیه مبارزه آنان، تنزل جایگاه زنان خانه دار در خانواده و اجتماع، و سوق دادن آنها به سوی بازار کار بوده است و هدف بلند مدت نیز ایجاد جامعه ای از زنان بود تا رفتاری مشابه مردان داشته و همانند آنها زمان و انرژی بیشتری را برای محیط کاری خود اختصاص دهند. فمینیست ها استراتژی محوری خود را بر مبنای برابری زن و مرد، جلوگیری از ظلم و ستم علیه زنان و تولید قواعد فراملیتی به منظور ایجاد اتحاد بین زنان قرار دادند که با هنجار شکنی های خاصی چون خلعت ولایت و سرپرستی مرد بر خانواده، ازدواج همجنس گرایان زن (لزبین ها)، اشتغال زنان در تمامی سطوح شغلی و نکوهش نقش های همسری و مادری زنان همراه بود.



پیامدهای اخلاقی فمینیسم بر بنیان خانواده

۱) تخریب اخلاق جنسی
مبحثی که در مرکز توجهات فمینیست های معاصر قرار داشت، تقلید از الگوی رفتار جنسی مردانه بود که به بی پروایی جنسی می انجامید. آنها با پیروی از نظریات فرویدی، تلاش نمودند روح رفتار جنسی را تخریب نمایند و معنا و مفهوم عمیق اخلاقی و معنوی نهفته در آن را نادیده بگیرند و این در حالی است که هدف آن در دستگاه خلقت، تولید مثل و بقای نسل بشر است و با یگانگی عاطفی و معنوی زن و مرد گره خورده است.

۲) اضمحلال بنیان خانواده

فمینیست ها با تحقیر و تمسخر نهاد خانواده به عنوان منشاء ظلم و ستم نسبت به زن، عملاً زوال خانواده را رقم زدند. «سیمون دوبوار» از نظریه پردازان و فیلسوفان مهم فمینیست در کتاب معروف خود تحت عنوان «جنس دوم»، ریشه ستم و ظلم نسبت به زنان را در ارتباط جنسی با مردان می داند و ضمن تحقیر پدیده هایی چون حاملگی، قاعدگی و شیردهی، تصریح می کند که همین عوامل بیولوژیکی باعث شده تا زنان ضعیف و زبردست مردان قرار گیرند. بدین ترتیب نه تنها خانواده بلکه به تبع آن مادری نیز مورد نکوهش واقع شد و با افزایش آمار طلاق و تخریب روابط جنسی سالم و آمار بالای سقط جنین، بنیان های اخلاقی جامعه به دست فراموشی سپرده شد.

داده های آماری در حوزه دانش اجتماعی مؤید این نکته است که افول خانواده، حداقل یکی از عوامل مهم افزایش سطح آسیب های اجتماعی در سه دهه گذشته محسوب می شود.

۳) تحقیر مادری و تجویز سقط جنین
ارایه طریق فمینیست های مارکسیسم، لیبرالیسم، رادیکالیسم و سوسیالیسم برای رهایی زن از قیود نظام

مردسالاری مبتنی بر محور «آزادی»، «بی قیدی» و «لابالی گری» زن نسبت به هرگونه توصیه ای است که طبیعت، دین، ساختارهای جامعه، خانواده و روابط بین زن و مرد ارایه می دهد. در حقیقت، نقطه آسیب پذیر فمینیسم از همین جا شکل می گیرد؛ زیرا نقش مادری، همسری، روابط طبیعی

جنسی و ساختاری مذهب و خانواده را به عنوان نموده های پدرشاهی و بی اعتبار معرفی می کند و کلیه ارزش های جامعه می نماید. از دیگر روابط نامشروع و ترویج سو تجویز و ترویج روابط نامشروع و ترویج امتناع از پذیرش تکالیف زناشویی، نیز به این فرآیند کمک می نماید و در نهایت به تجویز سقط جنین و تقبیح مادری و شیردهی می انجامد.

خصمانه ترین صدهایی که همواره خواستار سقط جنین بودند، به فمینیست های رادیکال تعلق دارد. اما همان طور که «الیزابت هاردی» معتقد است، سقط جنین برای جنبش فمینیسم نه تنها ثمره مثبت نداشته است بلکه این جنبش در مبارزه خود برای قانونی کردن سقط جنین بزرگترین جرم و تناقض را مرتکب شده است.

در حقیقت زنی که سقط جنین می کند هم در مسایل زناشویی دچار آسیب جدی می شود و هم با این عمل خویش اخلاق را زیر پا له می کند؛ زیرا موجب قطع حیات از شخص دیگری شده است. علاوه بر آن هویت مادرانه خویش را هم زیر سؤال می برد زیرا هم موجب مرگ فرزند خویش شده است و هم بر اثر اختلالات روانی ناشی از سقط جنین، بر فرزندان دیگرش نیز آسیب می رساند.

۴) ترویج خشونت علیه زنان و کودکان
به جرأت می توان گفت در وضعیت جدید و در پناه نظریات فمینیستی، زنان و کودکان بیشتر در رنج هستند؛ اگر چه مردان هم به سهم خود از این وضعیت جدید رنج می برند اما رنج آنان هرگز به اندازه رنج زنان نیست.

«فریدن» در کتاب «رمز و راز زنانگی» و «جرمین گری» در کتاب «زن کامل» علی رغم فمینیست بودن بر احساس مادرانه سوگواری می کنند و چنین می نگرند که هیچ پاداش و شغلی نمی تواند جایگزین آن شود.

فمینیسم با حمله به جایگاه رفیع مادری و همسری و امر ازدواج، متأسفانه

مسبب همجنس بازی بین مردان و زنان به طور جداگانه، تن ندادن به نظام ازدواج، خانه و بچه داری و رواج روز افزون فحشا و انحرافات جنسی و... گردید. زن ابزار دست زورمندان و شهوت رانان و سیاست بازان عالم شد، نتیجه این جهالت بزرگ بشر، ستم هر چه بیشتر بر

زنان - در درجه اول - و بر مردان - در درجه دوم - شد. برده داری و شکل های جدید ستم بر زنان، به مراتب زشت تر و فجیع تر از سابق می باشد. زن پیشرفته امروزی خسته از کار بیرون و از تنهایی و از نگاه به او به عنوان زن نه انسان، بیش از گذشته تحت ستم قرار دارد.

پست انگاشتن نقش های زنانه مانند زایش و پرورش کودک و دعوت آنان به تشبه به مردان، علاوه بر پیامدهای بسیار وحشتناکی که به دنبال داشته و دارد، پذیرفتن برتری ذاتی مرد است و موجب بی هویت کردن زنان و ظلم بالاتری بر آنهاست. پذیرش ناخودآگاه برتری مردان نه با ذات فمینیسم سازگار است و نه با منزلت زن و جایگاه انسان از آن رو که انسان است. فمینیسم امروزه زن را از زن بودن بیگانه و از انسانیت دور ساخته است.

نتیجه به هر ترتیب فمینیسم با تخریب اخلاق جنسی و تقبیح محدودیت روابط جنسی در قالب نکاح، ترویج حس دشمنی با مردان و تحقیر مادری و کارخانگی، زمینه اضمحلال بنیان خانواده و ترویج هم جنس گرایی و لابالی گری را فراهم آورد و نه تنها ستم جنسی بر زنان را ریشه کن نمود، بلکه به آن دامن هم زد.

اتفاقیه



مسئول جدید بسیج دانشجویی دانشگاه معرفی شد

با حضور دکتر احمدی، مراسم تودیع مسئول پیشین و معارفه مسئول جدید بسیج دانشجویی دانشگاه برگزار شد.

مراسم تودیع و معارفه مسئولان سابق و جدید بسیج دانشجویی دانشگاه بیست و سوم شهریورماه جاری با حضور داود گودرزی رئیس سازمان بسیج دانشجویی، دکتر محمدتقی احمدی رئیس دانشگاه، دکتر امین ناصری معاون فرهنگی و اجتماعی، حجت الاسلام دکتر فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه و دکتر مسلمی نائینی مسئول بسیج اساتید دانشگاه برگزار شد.

در این مراسم میثم هادی پور از دانشجویان دکتری و نخبه بسیجی به عنوان مسئول جدید بسیج دانشجویی دانشگاه معارفه شد. پیش از این حسین اورکی مسئولیت بسیج دانشجویی دانشگاه را به عهده داشت. گفتنی است میثم هادی پور براساس نظر شورای مرکزی بسیج دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس و سازمان بسیج جدید بسیج دانشجویی دانشگاه انتخاب شده است. وی پیش از این جانشین مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه بود.

نشریه چشمه انتصاب شایسته آقای هادی پور را تریبیک عرض نموده و از خداوند منان توفیقات روزافزون ایشان را در بسیج دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس مسئلت دارد.

تحریم زحمت دارد اما مانع پیشرفت نیست

ما در یک چنین جایگاهی هستیم. بایست حرکت بکنیم، باید تلاش کنیم. تحریمها هم البته زحمتهای ایجاد میکند اما میتواند مانع پیشرفت نشود؛ [باید] از ظرفیتهایمان استفاده کنیم. و شما اساتید در این زمینه نقش دارید؛ و وزارت علوم و وزارت های مربوط به مسئله‌ی دانش، نقشهای اساسی و مهمی دارند؛ این نقشها را قدر بدانید و دنبال کنید و ان شاء الله از خدای متعال هم کمک بخواهید. این آیه‌ی شریفه را هم که دوستان خواندند -ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ- (۷) این وعده‌ی بی‌تخلف الهی است.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها
۹۴/۰۴/۱۳



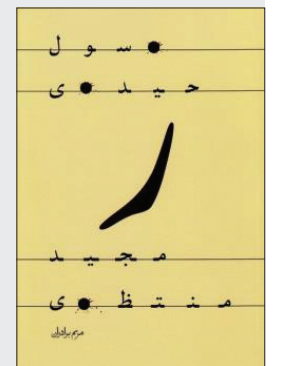
یک ملت، یک حرکتی، یک هویتی به‌وجود آمده است مبتنی بر منابعی و مبادی‌ای درست نقطه‌ی مقابل مبادی نظام استکبار و نظام ظلم و انظلام؛ نمی‌خواهند این به جایی برسد؛ ما در یک چنین موقعیتی هستیم؛

تروریست‌پرورند، اینها خودشان ضد حقوق بشرند؛ اینها دنبال این هستند که برای حقوق بشر به یک کشوری فشار بیاورند؟ مسئله این نیست؛ مسئله یک محاسبه‌ی بسیار بالاتر و فراتر از این حرفها است؛ یعنی

صراط

همین‌طور که بعضی از دوستان در سخنرانی‌های خودشان اشاره کردند، هدف دشمنان ملت ایران این است که نگذارند این کشور و این ملت به جایگاه شایسته‌ی خودش، آن جایگاه تمدنی، برسد؛ [چون] احساس کرده‌اند که این حرکت در کشور آغاز شده؛ تحریمها به‌خاطر این است. بله، بنده این عقیده را دارم که هدف تحریمها مسئله‌ی هسته‌ای فقط نیست، مسئله‌ی حقوق بشر هم نیست، مسئله‌ی تروریسم هم نیست. گفتند چرا فلانی برای روضه‌ی علی‌اصغر که روضه‌خوان خواند، گریه نکرد؟ گفت آن بنده خدا خودش صد علی‌اصغر سر بریده؛ این برای روضه‌ی علی‌اصغر گریه میکنند؛ اینها خودشان

پخوانیم



شهیدی در کشوری غریب

کتاب «ر» زندگی رسول حیدری (مجید منتظری) را به تصویر کشیده است؛ زندگی مردی که در کنار مردمی از جنس خودش اما با زبان و آداب و رسوم متفاوت در کشوری غریب (بوسنی) به شهادت رسید.

این زندگی در سه فصل روایت شده است: فصل نخست، از زمانی آغاز می‌شود که رسول حیدری از سفر بوسنی در سال ۷۱ باز می‌گردد. نویسنده در این فصل، حال و هوای او در خانه و دلنگی‌های همسرش معصومه و بچه‌ها را در آن روزها ترسیم کرده است. روایت زندگی در بخش بعدی وارد دوره دانشجویی او می‌شود که با هم‌زمانش در دانشگاه امام حسین علیه السلام می‌گذراند.

فصل دوم کتاب دوران تشکیل قرارگاه رمضان تا پایان جنگ را در بر دارد و به دوره ورود به دانشگاه اشاره می‌کند که خواننده با فضای آن در فصل نخست آشنا شده است. در این فصل، مانند سایر فصول، سعی شده است روایتی انسانی از حضور رسول حیدری در تمام مراحل زندگی تصویر شود. چرا که برای مخاطب این کتاب، شناخت مردان جنگ و نه صرفاً شاکارهای جنگی آن‌ها اهمیت دارد. جذابیت زندگی رسول نیز مانند بسیاری از دیگر مردان دوران جنگ، همین چهره‌ی انسانی اوست.

از آنجایی که نقطه تمایز زندگی رسول حیدری، شهادت او در بوسنی است، فصل سوم که به نه ماه زندگی آخر او (مهر ۷۱ تا خرداد ۷۲) برمی‌گردد سفر آخر او به این سرزمین و جزییات حضورش در آنجا را در برمی‌گیرد.

۵ راه برای عبور از تک بعدی شدن

برطرف کردن نیازهای هر یک از این ابعاد، اهداف متعددی در نظر می‌گیرد، و برای آنها تلاش می‌کند. بنابراین هر یک از این دو بُعد، خود دارای ابعاد مختلفی هستند. در وجود هر انسانی تمام غرایز و نیازهای مادی و معنوی وجود دارد، از قبیل علم و دانایی، اخلاق و کمالات، جمال و زیبایی، پرستش و عبادت، سلامت و امنیت، قدرت و عزت، عواطف و احساسات و ...

برخی افراد از هر کدام به همان مقدار که دارند بسنده کرده، در حالی که عدم توجه، باعث سرکوبی آن نیاز شده، و در جای دیگری که نباید، رخ می‌نماید و برخی دیگر با توجه بیش از حد به برخی ابعاد، بُعد دیگری را دستخوش آسیب می‌کند. بنابراین هر کسی باید بر اساس شخصیت خود، تعادل زندگی اش را حفظ کند. برای این منظور راهکارهایی پیشنهاد می‌شود:

۱- خود و ابعاد وجودی‌تان را بشناسید. (برخی روانشناسان وجودی انسان را این گونه تقسیم بندی کرده‌اند: معنوی، علمی، کاری، هنری، شخصی، اجتماعی، عاطفی، ورزشی، تفریحی) - روی هر کدام از آنها تفکر کنید.

۲- نقاط قوت و ضعف‌تان را مرور یا یادداشت کنید. - برای تقویت هر کدام وقت بگذارید، و خود را به سمت کمال پیش ببرید. پی‌نوشت: لازم نیست یکی از ابعاد را متوقف کنید، تا بتوانید روی بُعد دیگر کار کنید. انسان دارای قدرت بسیاری است که می‌تواند همزمان روی همه آنها کار کند، اگر خدا بخواهد.



نمی‌کند؛ معلمی که به لحاظ علمی بالاترین رتبه را دریافت می‌کند، اما توجهی به ارتباط با دانش‌آموزان و تربیت آنها در طول سال نداشته؛ فرزندی که از جوانی و نوجوانی خود لذت وافر می‌برد، اما حتی یک نگاه لذت بخش به والدینش نداشته؛ خواهی که

شاگرد اول کلاس است، اما با خواهر یا برادرش هیچ حرفی ندارد؛ سرمایه داری که زندگی مرفهی برای خود ساخته، اما در انزوا و تنهایی خود غرق است؛ و تک بُعدی بودن هزاران نقش دیگر، در زندگی بر همین منوال است، که با کمی شناخت و تغییر می‌توان به

زندگی مفهوم تازه‌ای بخشید. قرآن کریم در سوره ص آیه ۷۱ و ۷۲ انسان را دو بُعدی می‌داند، و می‌فرماید: **إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ۖ فَاذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.** خلقت انسان از خاک ناظر به بُعد مادی، و دمیده شدن روح خدا در انسان ناظر به بُعد معنوی اوست. انسان برای

بودند، بیشتر آسیب می‌بینند. اگر از همان ابتدا پایه‌های چند بُعدی بودن را درست بنا کنیم، زمانی که قرار است به نتایجی دست پیدا کنیم، ولی شکست خوردیم، این بنای مسقف، سقش فرو نخواهد ریخت. چرا که ما یک شبه تک بُعدی یا چند بُعدی نمی‌شویم.

با این حال همه سخت‌تر از همه اینها وقتی است که به هدف خود می‌رسد، ولی آن را آن گونه که هدف می‌پنداشت، نمی‌یابد. و یا به دلیل خصلت سیری ناپذیری انسان، دیگر نمی‌داند از زندگی چه می‌خواهد. اینجاست که خودش را گم می‌کند، و کاش این گم شدن فقط روی او تأثیر منفی می‌گذاشت؛ اما چه بسا همان اطرافیانی که مغفول مانده بودند، بیشتر آسیب‌هایی بینند.

دارد، که فراتر از حد تصور است. نگاه تک بُعدی مخصوصاً به بُعد مادی، فرد را از "انسانیت" دور می‌کند. و گاه تک بُعدی بودن در اموری خلاصه می‌شود، که تعادل زندگی را به هم می‌زند. مثلاً مادری که زبانزد خاص و عام است، اما برای سلامتی خود هیچ فکری نکرده؛ همسری که مدارج بالای علمی و شغلی را کسب کرده، اما همیشه با همسرش اختلاف دارد و او را درک

خطا خطای

مریم فرهنگ، دانشجوی کارگردانی دانشکده صدا و سیما

بعضی آدمها رو که خوب نگاه میکنی می‌بینی در اوج موفقیت، ناموفق هستند.

این تناقض و پارادوکس برای غیرقابل هضم است. با خودت فکر میکنی که علت چیست؟

نتیجه این فکرکردن‌ها و بررسی کردن‌ها، این است که می‌فهمی این افراد "تک بُعدی" شده‌اند. یعنی تنها روی یک هدف یا جهت خاصی تمرکز کرده، و گاهی آنقدر درگیر همان می‌شوند، که حتی فراموش می‌کنند، نفس بکشند!

وقتی زندگی در نگاه یک نفر، تنها پول، کار، درس و... باشد، نحوه برخورد با مهمترین افراد زندگی را فراموش می‌کند، لذت بردن از خوشی‌ها و نعمت‌های هر لحظه را درک نمی‌کند؛ بلکه تلاش می‌کند تا هر چه سریع‌تر به هدفی که برای خودش تعریف کرده - اما در این مسیر در اثر غفلت و بی‌توجهی، امور بسیاری را که فکر می‌کند همیشه با او

باقی خواهند ماند، از دست می‌دهد. سخت‌تر از همه اینها وقتی است که به هدف خود می‌رسد، ولی آن را آن گونه که هدف می‌پنداشت، نمی‌یابد. و یا به دلیل خصلت سیری ناپذیری انسان، دیگر نمی‌داند از زندگی چه می‌خواهد. اینجاست که خودش را گم می‌کند، و کاش این گم شدن فقط روی او تأثیر منفی می‌گذاشت؛ اما چه بسا همان اطرافیانی که مغفول مانده

کامتان را شاد کنید

الله
کلام نور

محمد انصاری

دبیرانجمن علوم قرآن و حدیث
دانشگاه تربیت مدرس

اگر خاطرتان باشد در شماره پیشین نشریه به مفاهیم و تعاریف اولیه شادکامی اشاره‌ای کردیم. هیجان، آرامش، سلامت از جمله مفاهیمی بود که در شماره پیشین بدان پرداختیم. اما در این نوشتار قرار است عوامل و راهکارهای شادکامی را نیز بیان کنیم. عوامل و راهکارهای گوناگونی را برای خلق و کسب شادکامی بیان داشته‌اند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم: سه چیز در هر کس باشد، در حقیقت، خیر دنیا و آخرت دارد (شادکام و سعادت‌مند است): خشنودی به قضای الهی، صبر بر گرفتاری و شکر در آسایش. این جمله از فرمایشان گهربار مولای متقیان علی(ع) می‌باشد. عوامل شادکامی را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

عوامل عینی و عوامل غیرعینی. عوامل غیرعینی را - که ماهیتی شناختی دارند - در «رضامندی» مؤثر می‌دانند و عوامل عینی را هم در «هیجانان مثبت و هم در هیجانان منفی.»

شادکامی، تنها در سایه شادی‌ها و لذت‌های آنی حاصل نمی‌شود و نیازمند داشتن احساس رضامندی و فقدان عواطف منفی است.

بر این اساس، شادکامی، سه جزء دارد: شادی و لذت، رضامندی، و فقدان عواطف منفی (مانند: استرس و اضطراب و...). از این رو، می‌توان چنین بیان داشت:

از این رو، «لذت»، بُعد هیجانی شادکامی و «رضامندی»، بُعد شناختی آن است. شایان یادآوری است در الگوی اسلامی شادکامی برخی از ناگواری‌ها (همان عواطف منفی) قابل تحمل و گاه گوارا و شیرین می‌باشد.

عوامل هیجانان مثبت را غالباً عوامل عینی تشکیل می‌دهند. شادی و سرور، بُعد هیجانی شادکامی است، شادکامی پژوهان با تکیه بر نتیجه مطالعات مختلف، فهرست رایج‌ترین منابع شادی را این گونه بیان می‌کنند:

۱. خوردن و آشامیدن
۲. فعالیت‌های خانوادگی، اجتماعی و جنسی؛
۳. بازی، ورزش؛
۴. موفقیت و تأیید اجتماعی؛
۵. استفاده از مهارت‌ها؛
۶. هنر و مذهب؛
۷. محیط و طبیعت؛
۸. استراحت و آرامش.

نکته مهم اینکه لذت و دنبال کردن آن، گاهی ممکن است به شادکامی بینجامد؛ اما همیشه چنین نیست. برای مثال، لذت‌های کوتاه‌مدت حاصل از سیگار یا مواد مخدر، به ناشادکامی بلندمدت همراه با بیماری منجر می‌شود.

نقش شخصیت و ارثی بودن نقطه تثبیت شادکامی، و همچنین نقش



فرهنگ در تسهیل یا تهدید احساس شادکامی مهم است. نقطه تثبیت شادکامی به طور وراثتی از قبل تعیین می‌شود و فرهنگ موجب تسهیل یا تهدید حس شادکامی می‌شود، برخلاف این واقعیت‌ها، این امکان وجود دارد که مهارت‌هایمان را پرورش دهیم و محیط را به گونه‌ای سامان بخشیم که بخش عمده‌ای از وقت خود را در حد نقطه

نقش شخصیت و ارثی بودن
نقطه تثبیت شادکامی، و همچنین نقش فرهنگ در تسهیل یا تهدید احساس شادکامی مهم است. نقطه تثبیت شادکامی به طور وراثتی از قبل تعیین می‌شود و فرهنگ موجب تسهیل یا تهدید حس شادکامی می‌شود، برخلاف این واقعیت‌ها، این امکان وجود دارد که مهارت‌هایمان را پرورش دهیم و محیط را به گونه‌ای سامان بخشیم که بخش عمده‌ای از وقت خود را در حد نقطه تثبیت شادکامی و فراتر از آن بگذرانیم و به این طریق، حس سلامتی‌مان را بهینه‌سازی کنیم.

تثبیت شادکامی و فراتر از آن بگذرانیم و به این طریق، حس سلامتی‌مان را بهینه‌سازی کنیم.

براساس اصل «آگاهی از موقعیت‌های تأمین‌کننده رضامندی عمیق» به عنوان شرط تحقق شادکامی گروهی از محققان بر آن تأکید و تصریح دارند و آن موقعیت‌ها را به پنج گروه طبقه‌بندی می‌نمایند:

الف. از نظر ارتباطی:
۱. ازدواج با کسی که مشابه ماست؛
۲. گفتگوی محبت‌آمیز و روشن و نادیده گرفتن خطاها؛
۳. حفظ تماس با تمام افراد خانواده؛
۴. حفظ و ایجاد دوستی‌های عمیق با تعداد نسبتاً کوچکی از مردم؛
۵. برقراری ارتباط و همکاری با گروه‌های نسبتاً بزرگ‌تر؛
۶. پرداختن به امور معنوی و مذهبی.

ب. از نظر شرایط محیطی:
۱. تأمین راحتی جسمانی و مالی برای خود و خانواده (بدون سوارشدن بر گردونه لذت‌گرایی مصرف‌گرایی)؛
۲. زیستن در محیط جغرافیایی زیبا، امن و پربار (برخوردار از آب و هوای خوب، و هنر مطلوب).

ج. از نظر سلامت جسمانی:
۱. حفظ سلامت خوب؛
۲. پرداختن به ورزش و تمرین بدنی.
د. از نظر بارآوری:
۱. استفاده کردن از مهارت‌هایی که در تکلیف چالش‌انگیز، لذت‌بخش‌اند؛
۲. دستیابی به موفقیت و تأیید در کاری که جالب و شکوهمند است؛
۳. کار در جهت مجموعه‌ای از هدف‌ها.
ه. از نظر فعالیت‌های تفریحی:

۱. خوردن غذاهای با کیفیت خوب
- و در حد اعتدال؛
۲. استراحت منظم؛
۳. آرامش و داشتن مرخصی در حد اعتدال؛
۴. پرداختن به فعالیت‌های تفریحی مشترک با گروه‌های دوستان. این امور، از عوامل عینی شادکامی‌اند. با تأکید بر این که رضایت از زندگی، بُعد شناختی شادکامی است و بر ارزیابی فکری یک مسئله، قضاوت درباره آن، و چگونگی انجام دادن آن در حال حاضر و یا گذشته دلالت دارد، تأکید می‌شود که عوامل عینی، تنها عامل رضامندی نیستند. مهم‌ترین عوامل عینی رضامندی، از این مواردند:
۱. پول؛
۲. سلامتی؛
۳. کار و اشتغال؛
۴. روابط اجتماعی؛
۵. تفریح؛
۶. مسکن؛
۷. آموزش.

الگوی اسلامی شادکامی،
منطبق بر واقعیت‌های زندگی است و از این جهت که مطابق جریان زندگی معنادار و بالنده است و تمام ابعاد آن را پوشش می‌دهد، بر دیگر نظریه‌ها برتری دارد. الگوی اسلامی، هم ناظر به بُعد هیجانی است و هم ناظر به روال زندگی که بخشی از آن، حوادث (خوشایند و ناخوشایند) و بخش دیگر آن، وظایف و تکالیف (باید و نباید) است.

از سوی دیگر، تحقیقات نشان داده که هر چند عوامل عینی همانند پول و شرایط مطلوب زندگی بر خشنودی، اثر قابل توجهی دارند؛ اما افزایش ثروت به افزایش خشنودی منجر نشده است. علاوه بر موارد عمومی ذکر شده، در زندگی دانشجویی عواملی مانند:
۱. تعامل بین دانشجوی و استاد؛
۲. امکانات رفاهی دانشگاه؛
۳. جو سازمانی



از کسانی مباش که...

از کسانی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است، و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازد، در دنیا چونان زاهدان سخن می‌گوید، اما در رفتار همانند دنیا پرستان است، اگر نعمت‌ها به او برسد سیر نمی‌شود، و در محرومیت قناعت ندارد، از آنچه به او رسید شکرگزار نیست و از آنچه مانده، زیاده طلب است.

دیگران را پرهیز می‌دهد اما خود پروا ندارد، به فرمانبرداری امر می‌کند اما خود فرمان نمی‌برد، نیکوکاران را دوست دارد، اما رفتارشان را ندارد، گناهکاران را دشمن دارد اما خود یکی از گناهکاران است، و با گناهان فراوان مرگ را دوست نمی‌دارد، اما در آنچه که مرگ را ناخوشایند ساخت پافشاری دارد، اگر بیمار شود پشیمان می‌شود، و اگر مصیبتی به او رسد به زاری خدا را می‌خواند؛ اگر به گشایش، دست یافت مغرورانه از خدا روی بر می‌گرداند، نفس به نیروی گمان ناروا بر او چیرگی دارد، و او با قدرت یقین بر نفس چیره نمی‌گردد.

برای دیگران که گناهی کمتر از او دارند نگران، و بیش از آنچه که عمل کرده امیدوار است. اگر بی نیاز گردد مست و مغرور شود، و اگر تهی دست گردد، مأیوس و سست شود، چون کار کند در آن کوتاهی ورزد، و چون چیزی خواهد زیاده روی نماید، چون در برابر شهوت قرار گیرد گناه را برگزیده، توبه را به تأخیر اندازد، و چون رنجی به او رسد از راه ملت اسلام دوری گزیند، عبرت آموزی را طرح می‌کند اما خود عبرت نمی‌گیرد، در پند دادن مبالغه می‌کند اما خود پند پذیر نمی‌باشد.

حکمت ۲۸۹ نهج البلاغه

دنیای تکنولوژی برای من چه آورده است؟

علم، صنعت، تکنیک، اختراع، اکتشاف و ثروت مادی در کنار فرآورده‌های عظیم به ظاهر شگفت‌آورش، راحتی فیزیکی و جسمانی و به تعبیر دیگر رفاه را برایمان به ارمان آورد. اما غافل از اینکه رفاه، سلامتی را به دنبال ندارد. رفاه ضامن سلامتی روح و جسم نیست. تکنولوژی‌بی که در مسابقه دنیاطلبی و منفعت خواهی ما را به سوی اهداف استعمار به پیش می‌برد تا در جنگ تبلیغ و تهاجم فرهنگی به صورت استعمارگرایانه، به سویی که خواهان آنند، ما را رهسپار کنند. از همین رو است که پیشرفت مادی و غوطه ورشدن در دنیای صنعت اگر عامل کنترل‌کننده‌ای از جانب انسان در کنارش نباشد غفلت را در روح تزریق می‌کند و چه بسا فساد را با اخلاق عجین کند و عامل عقب ماندگی شود و همین عقب ماندگی، جهل را به بار می‌آورد. و جهل یعنی دشمن عقل.

حال باید چگونه فرد و اجتماع را در مقابل آن واکسینه کرد؟ دستور آن چیست؟ آیا می‌شود آن را ندید و از آن کناره گرفت؟

مسلمان در دنیای امروز بدون صنعت و عامل تکنولوژی نمی‌شود زندگی کرد اما می‌شود از فساد آن در امان ماند و آن اجرای توصیه و دستور اسلام یعنی تقوا و خود نگهداری است.

تقوا همان عاملی است که برای زندگی بهتر و بهتریستن از سوی خالق هستی تجویز شده. چرا که بصیرتی را ایجاد می‌کند که در اثر آن عقل تشخیص و کارآمدی بهتری



راه شهیدان را ادامه دهید

خدایا تو خود می‌دانی که دلم می‌خواست که در راه رضای تو قدم بردارم که در قالب اوقات برداشتم، به خاطر اینکه نمی‌دانستم و باز عمل می‌کردم، به این دلیل بود که تو را نشناختم و نمی‌دیدم... خدایا هنوز هم نمی‌دانم این خودم هستم که این جریده را می‌نویسم یا نفس سرکش و جاه طلب من است.

ای عزیز! ای ستارای غفار، با این عقل و چشم ناقص ذره‌ای از کرم و لطف و ستاریت تو را حداقل در خودم می‌بینم که من چه بوده‌ام و تو مرا چگونه نشان دادی، من چه کردم و تو پنهان کردی، من چه راهی را می‌رفتم و تو نگذاشتی و بخشیدی و هدایت کردی... پس از شکر خداوند که این سعادت را نصیب من کرد که در این راه که همانا راه انبیا و اولیا خاص خداوند است قدم برداشته و رهبر آن‌ها باشم. و با تشکر از خانواده‌ام که طوری عمل کردند که من بتوانم در مسیر زندگی چنین راهی را انتخاب کنم.

فرزندانم را خوب تربیت کنید و خود نیز دنباله رو راه شهیدان از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی ایران باشید و امام (ره) را فراموش نکنید. به حرف یاهو گویان توجهی نکنید و با توکل به خدا بر دهان یاهو گویان بکوبید به امید زیارت کربلا و قدس عزیز. خداوند انشالله مرا در زمره شهدای انقلاب اسلامی قرار دهد.

فرازی از وصیت نامه شهید مهدی عاصی تهرانی

خود را واکسینه کنیم

محبوبه پارسا / کارشناسی ارشد فلسفه



مطهری این تقوا به معنای ترسیدن نمی‌باشد بلکه تقوا یعنی خود نگهداری. و این حفاظت از خود مستلزم ترس و پرهیز است. نظر پروردگار متعال درباره اصلاح فرد و جامعه منحصر اطلاق فرمان خود خداست. خدای متعال باورش

این است که فرد و جامعه بدون پیاده کردن تقوا به تزکیه نخواهد رسید. علم و صنعت تکنیک. اختراع و ثروت مادی هیچ کدام عامل اصلاح فرد و جامعه نیستند بلکه برعکس همه اینها وقتی قرار گیرند ظلم و بی عدالتی و فساد و خونریزی و قتل بیشتر می‌شود.

خودش به اندازه باورش مطیع فرمان خدا بشود مشکلاتش در زندگی حل می‌شود و صلاح و رستگاری در جامعه بشری گسترش پیدا می‌کند و این امر و دعوت به تقوا فقط منحصر به امت اسلامی نیست بلکه تمام ادیان آسمانی که پیامبر الهی داشتند و به ایشان کتاب آسمانی داده شده در کتاب و شریعت خودشان به تقوا دعوت شدند. و از سوی دیگر قرآن برای دعوت به این عامل مهم است که به مومنین وعده‌های الهی داده از جمله بشارت به بهشت. نزول برکت از آسمان و زمین.

مسلمان در دنیای امروز بدون صنعت و عامل تکنولوژی نمی‌شود زندگی کرد اما می‌شود از فساد آن در امان ماند، نظر پروردگار متعال درباره اصلاح فرد و جامعه منحصر اطلاق فرمان خود خداست. خدای متعال باورش این است که فرد و جامعه بدون پیاده کردن تقوا به اصلاح و تزکیه نخواهد رسید. علم و صنعت تکنیک. اختراع و اکتشاف و ثروت مادی هیچ کدام عامل اصلاح فرد و جامعه نیستند بلکه برعکس همه اینها وقتی در خدمت نفس اماره بالسوء قرار گیرند ظلم و بی عدالتی و فساد و خونریزی و قتل بیشتر می‌شود.

امان ماندن متقین از غم و اندوه. درمان دردهای درونی. پناهگاه مستحکم انسان در تنگناها و رهایی از آنها و تقوا ضامن سلامت قوای ظاهره و باطنه بدن می‌باشد.

این تقوا و عقل است که هدایت را به بشریت اهدا کرده است. من به عنوان خلیفه‌ی خدا در دنیا لازم دارم تا بزرگواری روحم را حفظ کنم به همین خاطر باید تن به پستی بزرگواری روحم را حفظ کنم به همین خاطر باید تن به پستی ندهم. آنجا که روح فقط به جنبه مصرف‌گرایی خو گیرد و عادت کند شیطان با سرگرم کردن او بیش از این را از یاد او می‌برد. تعبیر قرآنی‌ای که انسان خود را فراموش می‌کند دال بر همین است چرا که مستلزم این است که آدمی مقام عزت و کرامت خود را از یاد ببرد. به تعبیر استاد شهید مرتضی

درد دنیا لازم دارم تا بزرگواری روحم را حفظ کنم به همین خاطر باید تن به پستی ندهم. آنجا که روح فقط به جنبه مصرف‌گرایی خو گیرد و عادت کند شیطان با سرگرم کردن او بیش از این را از یاد او می‌برد.

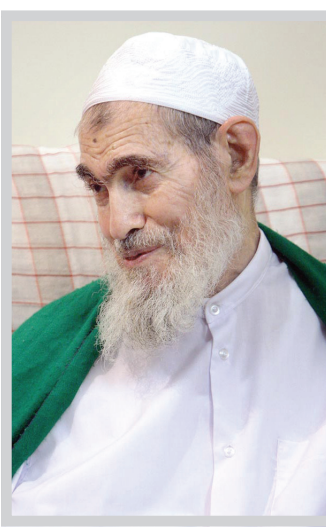
تعبیر قرآنی‌ای که انسان خود را فراموش می‌کند دال بر همین است چرا که مستلزم این است که آدمی مقام عزت و کرامت خود را از یاد ببرد.

تقوا همان عاملی است که برای زندگی بهتر و بهتریستن از سوی خالق هستی تجویز شده. چرا که بصیرتی را ایجاد می‌کند که در اثر آن عقل تشخیص و کارآمدی بهتری

آثار ویرانگر گناه

گناهان مردم در صحراها و دریاها ظهور پیدا می‌کند. اگر کسی یک گناهی بکند، فوری یک نقطه سیاهی در قلب او پیدا می‌شود، یک تیرگی و ظلمتی در آینه روح او می‌نشیند، غباری در آینه قلب او می‌نشیند و قلب او کدر می‌شود و از آن طرف فرشته‌ها گناهان او را می‌نویسند و به ملالی می‌برند، شاید فرشته‌های دیگر هم مطلع شوند و از طرف دیگر این گناه در نسل او اثر سوء می‌گذارد. در روح او اثر می‌گذارد. به واسطه ژن‌های او، کروموزم‌های نطفه او، در فرزندانش اثر می‌گذارد.

اثر گناه فقط در خود انسان ظاهر نمی‌شود، گناه انسانی در محیطش هم اثر دارد، گناه انسانی در فرزندانش اثر دارد، گناه انسانی در زراعت اثر دارد، گناه انسانی در جو اثر دارد. انسان گناه می‌کند و خیال می‌کند در جای خلوتی گناه کرد و تمام شد و رفت! گناه شما در همه چیز اثر می‌گذارد، در نسلتان اثر می‌گذارد، در محیطتان اثر می‌گذارد آیه شریفه می‌گوید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ (روم، ۴۱)» (فساد



* آیت الله مشکینی (ره)

پیشینه جنبش انصارالله یمن



محمد رافعی - دانشجو دکترای تاریخ

در مورد جمعیت زیدی‌ها در یمن آمار مشخصی وجود ندارد و حدوداً بین سی و پنج تا چهل و پنج درصد از جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند. حوثی‌ها زیدی مذهب‌اند و این امر آنها را از شافعی‌های اهل سنت جدا می‌سازد. زیدیان امام خاص خود را دارند و به امام حسن و امام حسین (ع) انتساب می‌یابند. زیدیان حوثی از نظر عقاید مذهبی و سیاسی مشترکات بسیاری با تشیع اثنی عشری دارند، اما در سوی دیگر باید آنها را نزدیک‌ترین گروه شیعی به عقاید اهل سنت دانست. این نگاه اخیر تا جایی پیش‌رفته که از نظر یکی از امامان زیدی (بدرالدین امیر الحوثی) فردی خارج از سلاله امام حسن و امام حسین (ع) نمی‌تواند به امامت برسد اما به عنوان حسیبه می‌تواند حکومت را در دست گیرد.



و بعدها در سال ۱۹۹۷ میلادی به تنظیم الشباب المؤمن تغییر کرد. این گروه سپس به جامعه الحوثی معروف شدند و برنامه‌های آنان شکل مسلحانه به خود گرفت. حوثی‌ها از بدو پیدایش درگیری‌های بسیاری با ارتش یمن داشته‌اند تا آنکه در سال ۲۰۰۸ این تنازعات موقتاً فروکش نمود.

حسین الحوثی که در سال ۲۰۰۴

میلادی در درگیری با نیروهای ارتش یمن کشته شد، در کنار محمد یحیی عزان از نخستین رهبران گروه بودند. باید در خاطر داشت که عربستان گذشته از واهمه ناشی از تشیع یمن، همواره از گسترش نفوذ آن رهبری یمنی تحت حوثی عبدالملک خود نیز بیمناک بوده است. در جریان درگیری‌های بین این

گروه و ارتش یمن، نیروهای عربستان نیز به کمک ارتش یمن آمدند. در این شرایط کار برای حوثی‌ها سخت شد اما باز ارتش یمن موفق نشد این گروه را از بین ببرد. جنبش انصارالله در سال ۲۰۱۱ میلادی بر استان صعده تسلط یافت. این همان اتفاقی بود که خواب عربستان را پریشان می‌نمود. چهار چوب فکری این تشکل بر پایه اندیشه‌های زیدی بدرالدین الحوثی شکل گرفته است. بدرالدین الحوثی هر چند

ندارند و در طول تاریخ خود در یمن میان مسیحیان و یهودیان زیسته‌اند، بی آن که کوچک‌ترین آزاری به آنان برسانند. اما این امر به معنای پذیرش ظلم و کوتاه آمدن مقابل استکبار نیست. می‌دانیم که حکومت یمن تا سال ۱۹۶۲ در دست زیدیان بود.

با تداوم موج بیداری اسلامی در یمن، طرح شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ مطرح گردد. اساس طرح بر گفتگوهای ملی میان تمام احزاب و جریان‌های یمنی برای دست‌یافتن به توافقی جامع جهت تدوین قانون اساسی و حکومت جدید استوار بود. این طرح به نتیجه نرسید و جنبش انصارالله که به بی‌حاصلی طرح آگاه بود با همراه کردن بسیاری از قبایل و بزرگان زیدی انقلاب خود را فراگیر کرد.

در سال ۲۰۱۴ شرایط نامساعد اقتصادی دولت منصور هادی، همراه با گسترش بیداری اسلامی باعث شد تا مردم یمن بار دیگر قیام کنند. جنبش انصارالله پس از تسلط بر استان عمران و برخی

مناطق صنعا خواهان تشکیل دولت وحدت ملی شد. تحت این فشارها منصور هادی ناچار به کناره‌گیری شد و دوره فترت به وجود آمد. انصارالله به همراه جریان‌های موافق، در یک اقدام انقلابی شورای شش نفره ریاست جمهوری را در دوره انتقالی تشکیل دادند. در این میان منصور هادی نیز به عدن رفته

و در آنجا حکومتی تشکیل داد. هادی توانست دولت‌های عربی را با وعده‌های بسیار با خود همراه نماید. اما در پایان آنچه اکنون در جریان است «باز همان حکایت همیشگی است». یعنی دستان دیگر نه چندان پنهان آمریکا و اسرائیل از یک سو، و مقاصد سوء عربستان و دیگر همراهان عربی‌اش از سوی دیگر. تا ملت‌های مقاوم و بیدار با توطئه غرب و به دست برادران خود قتل عام شوند.

عالمی زیدی بود اما به تقارب فکری زیدیه و شیعه اثناعشری اعتقاد داشت. وی علاوه بر این در صدد مواجهه فکری با وهابیت بود و می‌کوشید از نفوذ آن در مناطق شیعی نشین یمن جلوگیری نماید. او را رهبر معنوی جنبش حوثی‌ها می‌دانند. رهبران جنبش بیداری اسلامی یمن به طور محسوسی تحت تأثیر اندیشه‌ها و آرای امام خمینی (ره) بوده‌اند. تأثیر

اندیشه‌های بدرالدین در زمانی که آمریکا نفوذ خود را در یمن گسترش می‌داد، مشخص شد. در این زمان مردم یمن از دولت علی عبدالله صالح و سیاست‌های او ناراضی شدند. جوانان یمنی تحت رهبری عبدالملک حوثی مبارزات دامن‌داری را در مقابل تهاجم فکری

و نظامی غرب و عربستان شکل دادند. شعار حوثی‌ها «الله اکبر، الموت لامریکا، الموت لاسرائیل، اللعنة علی اليهود، النصر للاسلام» است. حسین حوثی در سال ۲۰۰۲ از سالن مدرسه امام الهادی در مران صعده این شعارها را سر داد و در فضای مقاومت خواهانه در مقابل استکبار امریکایی، از حاضران خواست این شعارها را تکرار کنند. به هر روی حوثی تأکید می‌کند که زیدی‌های یمن با هیچ کس سر عداوت

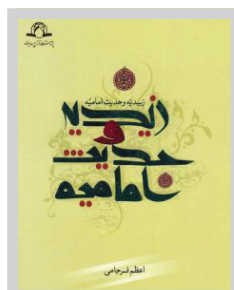
جنبش حوثی در سال ۱۹۹۰

کمی پس از اعلام وحدت دو یمن با رویکردی فکری - سیاسی و خط مشی مسلحانه به وجود آمد. البته در ابتدا این جنبش ماهیتی آموزشی و مذهبی داشت که اصول مذهب زیدی را آموزش می‌داد. «اتحاد شباب المؤمن» عنوان نخستین این گروه بود که در سال ۱۹۹۱ میلادی به منتدی الشباب المؤمن و بعدها در سال ۱۹۹۷ میلادی به تنظیم الشباب المؤمن تغییر کرد.

این بدان معنا است که یکی از این دو می‌بایست بر قرار باشد؛ امامت یا حسیبه. در مورد مذهب حوثی‌ها تردید چندانی وجود ندارد اما نکته قابل تأمل آن است که سید ناصر حسینی در مقاله‌ای آنان را «تنها گروه شیعه اثنی عشری» در یمن می‌داند، که

این سخن در تضاد با نظر دیگران است. چنانچه در شماره پیشین مجله خواندیم جنبش حوثی در سال ۱۹۹۰ کمی پس از اعلام وحدت دو یمن با رویکردی فکری - سیاسی و خط مشی مسلحانه به وجود آمد. البته در ابتدا این جنبش ماهیتی آموزشی و مذهبی داشت که اصول مذهب زیدی را آموزش می‌داد. «اتحاد شباب المؤمن» عنوان نخستین این گروه بود که در سال ۱۹۹۱ میلادی به منتدی الشباب المؤمن

زیدیه و حدیث امامیه



مؤلف: اعظم فرجامی
ناشر کتاب: چاپ و نشر دارالحدیث

امامیه در نقل احادیث «موقوت» توجه شود؛ زیرا نزد بسیاری از محدثان امامیه، امامی بودن، شرط وثاقت راوی نبوده است و خبر غیر امامی ثقه را نیز معتبر می‌دانسته‌اند. یکی از اهداف گروه پژوهشی تاریخ حدیث، فراهم آوردن مجموعه‌ای است که چالش‌های فرقه‌ای نحل‌های (در عرصه حدیث) را پیش روی محققان قرار دهد و کتاب اخباریگری (تاریخ و عقاید) - که پیش از این، به اهتمام این گروه پژوهشی منتشر گردید - گامی در همین مسیر بود.

مصتفات و متون متعلق به آن‌ها در میان میراث امامیه شناسایی و آن‌گاه، میراث حدیثی امامیه با توجه به شاخصه‌های فکری آن‌ها بازگویی و ارزیابی شود. در این روش، میزان «منفردات» حدیثی هر یک از جریان‌ها، از «احادیث مشترک»، بازشناسی می‌شود و احادیث اختصاصی جریان‌های حدیثی، با معیارهای علمی (نظیر عرضه بر قرآن و سنت)، نقد می‌شود. اهمیت تأمل در احادیث زیدیه و واقفیه زمانی بیشتر می‌شود که به «شیوه» محدثان

گذر زمان و پیدایش جریان‌ها و فرقه‌های مذهبی (درون دینی)، اثرگذاری «گرایش‌ها» را در اخذ و نقل حدیث، محتمل می‌سازد و طبعاً احتمال اثرگذاری هر گونه پیش فرض نیز زمینه‌ای برای کاهش اعتماد به مجموعه عظیم احادیث فراهم می‌آورد. مطالعه تاریخی احادیث و شناسایی جریان‌های مذهبی و میزان اثرگذاری هر کدام از آن‌ها بر مجموعه حدیث امامیه بسیار اهمیت دارد. در این میان، برخی جریان‌ها، مانند: زیدیه، واقفیه، غلات و سرانجام اخباریان، به دلیل گستردگی میراث حدیثی شان، نیازمند تأمل جدی‌ترند. بدین منظور، لازم است مهم‌ترین شاخصه‌های فکری هر یک از جریان‌های مذکور و نیز راویان، محدثان،



دکتر سید علی موسوی نژاد

اندیشه سیاسی انصارالله یمن

علت استقبال مردم یمن از انصارالله به دلیل رهبری حکیمانه، خدمات اجتماعی، فرهنگی، مؤسسات خیریه، راه اندازی جهاد سازندگی برای کمک به محرومان بوده است که مشابه این برنامه‌ها را ایران و حزب الله لبنان انجام داده است بنابراین نظم و پایبندی به اصول اخلاقی، انسانی و اسلامی از عوامل اصلی جذب مردم به انصارالله است. امامیه و زیدیه ریشه مشترکی دارند و مرجعیت اهل بیت (ع) و حدیث ثقلین را پذیرفته‌اند که در عصر غیبت امام زمان (عج) این فاصله بسیار کمتر است؛ یعنی شیعه امامیه مرجعیت سیاسی را پذیرفته است و نظریه انفعالی نشستن و منتظر ظهور بودن را قبول ندارد و معتقد است که باید به اندازه وسع و تکلیف حرکت کرد چنان که گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه حضرت امام خمینی (ره) در جمهوری اسلامی به وقوع پیوست و این مدل بسیار نزدیک به مدلی است که زیدیه در طول تاریخ به دنبال آن بوده است زیدیه معتقد است یکی از فرزندان حضرت فاطمه زهرا (س) که فقیه، مجتهد جامع الشرایط، شجاع، مدیر و مدبر به عنوان رهبر؛ جلودار و امام خواهد بود و امت نیز از او پیروی می‌کنند. در انقلاب اسلامی ایران که به رهبری امام خمینی (ره) به وقوع پیوست دارای ویژگی‌هایی است که از نظر زیدی‌ها مورد توجه قرار گرفته است زیرا آنها اهل قیام، مبارزه، ظلم ستیزی و خواهان اقامه عدل به رهبری شخصی از فرزندان حضرت زهرا (س) هستند که در گفتمان انقلاب اسلامی و در فرمایشات امام راحل و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب متبلور گشته است. البته زیدیان، حسین الحوثی را در حد رهبری خود پذیرفته بودند اما در سال ۲۰۰۴ به شهادت رسید که در حال حاضر ملک الحوثی برادر حسین الحوثی را به رهبری و پیشوایی قبول کرده‌اند.

در کتاب پیش رو، راویان زیدی حاضر در میراث حدیثی امامیه شناسایی، و روایات آن‌ها به فراخور نیاز و به فراوانی عرضه شده است تا در یک نگاه کلی، میزان راهیابی اخبار و دیدگاه‌های آنان را به منابع حدیثی امامیه نشان دهد. تلاش پژوهشگر در این اثر، گردآوری تمامی راویان زیدی موجود در اسناد احادیث امامیه و بیان طرق و اساتید روایات راویان غیر امامی در رساندن میراث عبدالملک الحوثی زیدیه به منابع امامیه بوده است. کتاب زیدیه و حدیث امامیه، مقدمه‌ای است برای محققان علاقه‌مندی که می‌خواهند برای تحکیم و تقویت بنیادهای نظری خود، حدیث را در بستر تاریخی مطالعه کنند و فراز و فرودهای آن را با توجه به گرایش‌های فکری راویان، ناقلان و ناقدان بسنجند.



همیشه حق با مشتری نیست!



پیادداشت

احمد فرهنگ، کارشناسی ارشد ادبیات تربیت مدرس

جای سوزن انداختن نبود. بانک شلوع هم نوبت فقر است. برگه نوبت عدد ۵۰ را نشان می‌داد. گوشه‌ای منتظر ایستادم. اولین چیزی که توجهم را جلب کرد تراکت قاب شده روی دیوار بود: همیشه حق با مشتری است. نمی‌گذاریم مشتری ناراضی از بانک خارج شود!

با خودم گفتم: فکر اقتصادی یعنی این! بانک تنها جایی است که هوای جیب مشتری را دارد و طوری مخ او را می‌زند که چاره‌ای ندارد جز آنکه راضی از در بیرون برود. فقط نمی‌دانم چرا در دانشگاه‌های ما مشتری مداری مرسوم نیست. نه استاد راضی است و نه دانشجو!

لحظاتی بعد جایی برای نشستن پیدا کردم. مشغول مطالعه کتابی شدم. کنار دستی‌ام که مرد میانسالی بود با تعجب سرک می‌کشید و خط سیر نگاهم را روی صفحات کتاب دنبال می‌کرد. من نیز برای آنکه او را از این رویه منحرف کنم، گاه گاهی سرم را بالا می‌آوردم و به نقطه‌ای خیره می‌شدم. ولی او دست بردار نبود و سرانجام هم به زبان آمد و گفت: ببخشید! شما دانشجو هستید؛ بالبخند پاسخ مثبت دادم و دوباره مشغول کار شدم. این بار سیاست خود را تغییر داد مثل اینکه با خودش باشد، گفت: پدر سوخته‌ها روی سپرده‌ی من، هفت میلیون وام خود رو داده‌اند و حالا دوسه برابر بهره می‌گیرند. این ماشین لامصب هم از راه نرسیده افتاده توی خرج. خودمان را دستی دستی توی دردرس انداختیم.

کسی که طرف چپ وی نشسته بود، پوزخندی زد و گفت: آقا ناشکری نکن. وضع شما از ما بهتر است. من و مادریچه‌ها باهم یک وام ۲۴ میلیونی خرید منزل گرفته‌ایم با بهره‌ی ۱۸ درصد و حالا وقتی درست حساب و کتاب می‌کنیم می‌بینیم برایمان ۲۵ درصد تمام شده است. در عوض حالا سه شغله شده‌ام تا قسط بپردازم. از پشت سر مردی گفت: آخ گفتی آقا... من هم برای خودم بلا درست کرده‌ام. این وام خرید لوازم خانگی، باعث شده تا خوشی از زیر ناخنم بیرون بزنم.

کم کم سفره‌های درد دل دیگران هم باز شد و فضای بانک پر شد از پیچ و نق و نوق. معلوم شد که این سبک زندگی همه را گرفتار و مقروض کرده است. کتاب را بستم و گرم شنیدن شدم. ناگهان دوست قدیمی‌ام فزولباشی وارد بانک شد. گل از گلم شکفت. از جا پریدم و خوشحال و خندان به استقبالش رفتم.

پرسید: از اوضاع روزگار چه خبر؟ گفتم: هی بد نیست. فعلا که اینجا اسیریم تا نوبتمان برسد. گفت: من هم آمده‌ام تا قسط شرکت را بپردازم. به شوخی گفتم: اینجا معبد مقروضانی است که به صورت قسطی زندگی می‌کنند. نیشش تا بناگوش باز شد و شروع کرد به خاراندن دست‌هایش. در حالی که کف دست چپ خود می‌خاراند، گفت: به تازگی دانشمندان راز و رمز خارش کف دست را کشف



خاطرات یک دیده‌بان

محمدحسن ابوحمزه

صبح با سروصدا بیدار شدیم. روزهای آخر بود و زمزمه پذیرش قطعنامه بگوش می‌رسید. صدا از میدان مین بود. هنوز نمی‌دانستیم در شرایط جدید تکلیف این میدان‌ها چه می‌شود بماند، جمع کنیم یا همه را یک جا منفجر کنیم.

با دوربین خرگوشی رصد کردیم از تعجب نزدیک بود شاخ در بیاوریم. روباه پیر برگشته بود. تازه رسیده بود و داشت از توی سیم خاردار، خورشیدی، مین‌های تله، خودش را به لانه قدیمی‌اش می‌رساند. هنوز قسمتی از موهای تنش که در فرار آخر از دست مورچه‌ها به سیم خاردار گیر کرده و کنده شده بود دیده می‌شد.

داستان این روباه و مورچه‌ها هم جالب بود. لانه‌اش آنجا بود و بعد از اینکه آن قسمت را در عملیات فجر بهمن ماه آزاد کردیم او همان جا بین دوخط مانده بود.

کاری با او نداشتیم اما او آزارهای خودش را داشت. غذاهای ما را می‌زدید. شایعه بود کبوتر گم شده دوشکاپی را هم او دزدیده بود.

آنقدر رفت و آمد لانه مورچه‌ها را خراب کرد که یک دفعه مورچه‌هایی که آنجا بودند ریختند توی لانه‌اش تا عاصی شد، دمش را گذاشت روی کولش و فرار کرد.

وقتی خوب دوربین کشی کردیم کمی دورتر توله‌هایش را دیدیم که زیر خاکریز دشمن، در پناه لاشه تانک انگلیسی «چلنجر» که به تازگی بر جکش را به هوا فرستاده بودیم، ورجه وورجه می‌کردند. شاید روباه اول خودش آمده بود اوضاع را مساعد کند بعد توله‌هایش را بیاورد.

تا شب رفت و آمد روباه و داستان او با مورچه‌ها سوژه ما بود. دوشکاپی، مگسک دوشکارا روی لانه‌اش قفل کرد گفت:

- این دفعه دست از پا خطا کنه این ماشه یه تکونی بخودش می‌ده. ماشه دوشکارا را نشان می‌داد.

درباره‌ی زیست بوم (اکوسیستم) کره زمین در سازمان ملل ارائه کردند که بسیار تکان دهنده بود. در این گزارش آمده بود که بشر ۶۰ درصد امکانات کره زمین را مصرف کرده و بدون جایگزین کردن، فقط ۴۰ درصد را برای آیندگان باقی گذاشته است. گفت: مردی پرخور را گفتند: از شعر کدام را خوش تر داری؟ گفت: فقط دوبیت از مولانا را، آنجا که می‌گوید: کوه بود نواله‌ام، بحر بود پیاله‌ام / هر دو جهان چو لقمه‌ای، هست در این دهان من. بعد هم گفت: این مصراع آخر را خیلی دوست دارم ولی حیف که کم لگد خورده است.

گفتم: گاندی رهبر مبارزه‌ی مردم هند علیه انگلستان می‌گوید: زمین پاسخگوی نیاز انسان هست، اما پاسخگوی آز او نیست

گفت: حکایت آن جوانی است که یک روز از پدرش سؤال کرد: پدر! مراسم عروسی چه قدر خرج بر می‌دارد؟ پدرش گفت: راستش را بخواهی دقیقاً نمی‌دانم، چون هنوز دارم قرض‌هایش را پس می‌دهم.

گفتم: امروزه نصف ثروت جهان در مالکیت ۳۰۰ خانواده است و این‌ها گروه‌های سلیقه ساز ذوق آفرینی را در کنار خود دارند و هر روز مدها و محصولات جدیدی را بر مردم جهان تحمیل می‌کنند و به مصرف گرای و اسراف دامن می‌زنند. گفت: مردی با سرعت زیاد در خیابان می‌دوید. دوستش به او رسید و گفت: چی شده با این عجله می‌دوی؟ گفت: هیچی. یک جفت کفش نو برای زخم خریدم. دوستش می‌گوید: خریدی که خریدی، اینکه دویدن نداره! مرد می‌گوید: می‌ترسم دیر به خانه برسم و در این فاصله مدلش عوض بشود!

گفتم: سرمایه‌داری حرص سیری ناپذیر خود را تبدیل به فرهنگ کرده است. به طور رسمی هم تکلیف و تهدید می‌کند که جهان باید به شیوه‌ی آمریکایی زندگی کند و گرنه چنین و چنان می‌شود.

گفت: یک نفر قاضی که رئیس دادگاه جنایی بود، به اتفاق دوستانش به شکار رفته بود. ناگهان آهویی از دور پیدا شد. جناب قاضی تفنگ را به دست گرفت و نشانه رفت و در همان حال گفت: محکوم به مرگ است، و تیری رها کرد که از بخت بد یا خوب به آهو نخورد. یکی از رفقایش گفت: حالا چه می‌فرمایید؟ جناب قاضی قیافه‌ی فیلسوفانه گرفت و گفت: او غیابا محکوم به مرگ است.

گفتم: پس اقتصاد مقاومتی که نماد سادگی‌زیستی است، بهترین داروی شفافبخش جامعه در بهبود دردهای اقتصادی است. تنها راهی که ما را از وابستگی به اقتصاد بیگانه نجات می‌بخشد. همین ساده‌زیستی و بازگشت به زندگی اصیل ایرانی اسلامی است. گفت: بنابراین «همیشه حق با مشتری نیست» چون ممکن است عملیات بانکی برای پاسخگویی به طمع انسان باشد و نه رفع نیاز واقعی او.

در همین لحظه شماره نوبت ما از بلندگو اعلام شد و ما ناچار شدیم که از یکدیگر جدا حافظی کنیم.

فکر می‌کنی علت این همه گرفتاری چیست؟

گفتم: نیاز!

آنکه شیران را کند روبه مزاج

احتیاج است، احتیاج است احتیاج.

بعد هم برای اینکه نشان دهم روحیه‌ی دانشجوئی‌ام را حفظ کرده‌ام، یکی از برهه‌های تحقیقی را بیرون آوردم و شروع به خواندن کردم:

یکی از روان‌شناسان معاصر موسوم به «مازلو» در باره‌ی نیازهای انسان گفته است: نیازهای انسان به دو گروه تقسیم می‌شود:

۱- نیازهای فیزیولوژیک (آب، غذا و...) و نیازهای روان‌شناختی مانند: محبت، امنیت و احترام به خود که به این نیازمندی‌ها

«نیاز کمبود» هم گفته می‌شود چون اگر ارضا نشود انسان احساس کمبود می‌کند. ۲- نیازهای عالی و یا فرا نیازهای رشد مانند: نیاز به شناخت عدالت، خیر و خوبی، زیبایی، نظم، یگانگی و...

گفت: حیف...

حیف که غالب نیازهای ما ریشه‌ی روان‌شناختی دارد. و نه فیزیولوژیک و فرانیاز.

گفتم: همین طور است. اگر همه‌ی دریاهای دنیا را در کوزه‌ای بریزند و به دست میرزا عبدالمطمع‌ها بدهند، باز چشم و دلشان سیر نمی‌شود.

گفت: حرص تنها صفتی است که تا آخرین لحظه‌ی عمر بشر دست از سر او بر نمی‌دارد؛ بعد مکتی کرد و ادامه داد: حرص هم در جای خود مفید است. مثل حرص طالب علم برای دانش اندوزی و نیکوکار برای خیر رسانی. اما نکته اینجاست که دیگران دارن برای ما نیاز آفرینی می‌کنند و با ابزار رسانه حرص ما را در می‌آورند. گفتم: این زیاده خواهی‌ها کره‌ی ما را هم به خطر انداخته است. در فروردین

۱۳۸۴ صدها دانشمند، گزارش مهمی

کرده‌اند. هر وقت کف دست راست شما بخارد، علامت آن است که پول و پله‌ای که از مدت‌ها قبل انتظارش را می‌کشیدید به دست شما می‌رسد. و هر وقت دست چپ شما شروع به خاریدن کند، علامت آن است که باید قروض خود را بپردازید. بعد ابروها را بالا انداخت و گفت: حالا بگو ببینم کف کدام دستت می‌خارد؟! خندیدیم و گفتم: خوب معلوم است کف دست چپم. چون آمده‌ام تا قسط وام دانشجویی را بپردازم.

مکشی کرد و گفت: روزگار قسطی عجیبی شده است. شخصیت آدم‌ها را هم تغییر کرده است. من امثال خودم را می‌گویم. اگر مردی دنبال پول بدود به او حرص می‌گویم. اگر پولدار باشد، او را

متهم می‌کنیم که کاپیتالیست و سرمایه‌دار است. اگر زیاد خرج کند به او ولخرج و خوشگذران می‌گوییم. اگر پول در نیابد می‌گوییم بی‌عرضه است. اگر بدون زحمت و با واسطه‌گری پول در بیاورد، او را انگل اجتماع می‌نامیم.

اگر پولش را پس انداز کند می‌گوییم احمقی است که فقط بارش طلاست و از زندگی بهره‌ای نمی‌برد. با همه‌ی این اوصاف همه‌ی ما از ریز و درشت به جز عده‌ای از ما بهتران، قسطی زندگی می‌کنیم. گفتم: دوستی دارم که راننده‌ی تاکسی است.

یک روز او را کنار خیابان دیدم و گفتم: اوضاع و احوال چه طوره؟ گفت: زیاد تعریف نداره. دیشب با مینو رفته بودیم هواخوری، وسط راه پنجره کرد! گفتم: منظور مادر بچه هاست؟ گفت: نه! اسم ماشینم مینوست. اسم عیال را روی تاکسی‌ام گذاشتم. چون ماشین مخلص، عینهو عیال می‌مونه! سر و صدا نداره که داره، خرج رو دست آدم نمی‌گذاره که می‌ذاره.

فzulباشی از خنده ریسه رفت و گفت:

اتفاقیه

تربیت مدرس رتبه اول دانشگاه های پرتولید ایرانی را کسب کرد

بررسی های پایگاه اطلاعاتی وب آف ساینس (Web Of Science) در سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ میلادی در حوزه NBIC (بیوتکنولوژی، نانوفناوری، اطلاعات و علوم شناختی) نشان می دهد در مجموع ۹۲۰ مدرک علمی که در این زمینه توسط کشورهای مختلف جهان منتشر شده است، کشورهای آمریکا با ۳۱۲ مدرک، کره جنوبی با ۷۲ و چین با ۶۸ مدرک در رتبه های اول تا سوم قرار دارند و سهم ایران از تولیدات علمی فناوری های همگرا در جهان تولید ۲۰ مقاله و کسب رتبه پانزدهم در بین ۲۰ کشور بوده است.

بر اساس گزارش پایگاه اطلاع رسانی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، دانشگاه تربیت مدرس با تولید ۹ مدرک، دانشگاه تهران با تولید ۸ مدرک و دانشگاه تبریز با تولید ۳ مدرک در رتبه های اول تا سوم دانشگاه های پرتولید ایرانی در حوزه NBIC قرار دارند. کشورهای آمریکا، استرالیا، دانمارک، فرانسه، آلمان، مالزی و اسپانیا در تولیدات علمی در حوزه NBIC با پژوهشگران ایرانی همکاری داشته اند.

این گزارش نشان می دهد از مجموع ۹۲۰ مدرک تولید شده در این بازه زمانی، ۱۸۶ مدرک با محوریت نانوتکنولوژی نانو ساینس، ۱۶۱ مدرک با محوریت حوزه علوم مواد چند رشته ای و ۱۲۰ مدرک با موضوع شیمی چند رشته ای تولید شده است. همچنین بیشترین تولیدات علمی حوزه فناوری های همگرا مربوط به سال ۲۰۱۳ بوده که در این سال ۱۲۲ مدرک علمی ثبت شده است.

گفتنی است امروزه فناوری های همگرا جایگاه ارزشمند و ویژه ای را در حوزه سیاست گذاری علم و فناوری به خود اختصاص داده اند.



دکتر فلاح رفیع در مراسم روز کارمند مطرح کرد:
کارمند نمونه، مراجعه دیگران به خودش را لطف الهی می داند

دکتر فلاح رفیع با ارائه پیشنهادی به دکتر محمدزاده افزود: الحمدلله آموزش دانشگاه کارش را خوب انجام می دهد و تقاضا دارم که این آموزش را در بخش های مختلف؛ اخلاق حرفه ای و... گسترش دهند بحث نقص نیست بلکه دست یافتن به کمال است و باید هر چه بیشتر تکنیک های برخورد با یکدیگر را یاد بگیریم

در این مراسم با طرح سوالی مسابقه ای بین حضار برگزار شد. در ادامه برنامه دکتر محمدزاده به بیان روند انتخاب کارمند نمونه پرداخت و افزود: ما برای انتخاب کارمند نمونه طبق دستورالعمل مان سعی کردیم چندین تفاوت را لحاظ کنیم. در گذشته روش انتخاب به گونه ای بود که واحدها مستقیم فرد را انتخاب و در یک فرایندی کارمند نمونه دانشگاه معرفی می شد. در این برهه سعی کردیم علاوه بر نظرات مدیریت مستقیم یا غیرمستقیم در خصوص کارکنان دارند همکاران آن کارمند هم در ارزیابی شخص دخالت داشته باشند و از نظر جمعی برای انتخاب استفاده کردیم. دستورالعمل دیگر اینکه در گذشته عملاً فردی که بعنوان کارمند نمونه انتخاب می شد امکان انتخاب ایشان در سال های آینده وجود نداشت شکلی نوبتی داشت اما در دستورالعمل جدید اینطور مقرر شده که فرد می تواند به طور متناوب چندین سال بعنوان کارمند نمونه انتخاب شود

هدا جوایز به کارمندان نمونه پایان بخش این مراسم بود. در حاشیه این مراسم نظرات برخی از کارمندان را جویا شدیم گفتند نسبت به سالهای پیش جشنی متفاوت بوده امیدواریم در سالهای آینده متنوع تر باشد و همچنین انتخاب تعداد کارمندان نمونه بیش از این باشد.

طبق معمول از قسمت خواهران صدای حرف و همهمه بود. اما از صداهایی که به گوش می رسید می شد پی برد که کیفیت همه چی عالی بوده است.

مدرس بیان کرد: همه ما به ویژه کارمندان باید تلاش کنیم تا آنجا که می توانیم کار دیگران را رسیدگی و انجام دهیم، و اگر نمی توانیم و از نظر مقررات ممکن نیست با برخورد خوب و پسندیده با آنها مواجه بشویم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با استفاده از کلام نورانی امام رضا (علیه السلام) که می فرمایند انسان عاقل مسلمان هیچگاه در طول عمر خود از علم آموزی و ارتقاء دانش خسته نمی شود، از مسئولان دانشگاه تقاضا کردند که آموزش های لازم ضمن خدمت را برای کارمندان افزایش بدهند، تا بدین وسیله نیز از کارمندان زحمت کش تجلیل واقعی شده باشد.

دلیل واضح آن است، انسانی که عقل کامل می خواهد باید به کمال مطلق برسد و برای رسیدن به آن به دیگران خیر و نیکی بیشتری کنید.



شما کارمندان عزیز خیلی مواقع نمی توانید حاجات ارباب رجوع را برآورده کنید آنجایی که مطابق قانون و مقررات است در غیراینصورت معطل شان نکنید. رسیدن به عقلا نیت دینی را مدنظر داشته باشید یعنی از برآوردن حوائج مردم خسته نشوید، از آموزش برای بدست آوردن علم بی نهایت دریغ نکنید همیشه لبخند بر لبها بنشانیم، این کسب رضایت خداوند است.

همچنین در این مراسم حجت الاسلام دکتر فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه تربیت مدرس از همه کارمندان زحمت کش دانشگاه تربیت مدرس تقدیر و برای آنها آرزوی موفقیت کرد. دکتر فلاح رفیع در این مراسم با اشاره به حدیثی از امام رضا (علیه السلام) که فرموده اند: که از خواسته های دیگران و مراجعه مردم به او نه تنها خسته نمی شود، بلکه آنرا لطف الهی می داند. افزود: یک کارمند مطابق گفته امام رضا (علیه السلام) می بایست تا آنجا که می تواند کار دیگران را رسیدگی کند؛ چرا که امام (علیه السلام) انسان عاقل را کسی می داند که خیر او همواره امید می رود و دیگران از شر و بدی او در امانند بنابراین یک کارمند نیز باید تلاش کند تا هر چه بیشتر خیر او به دیگران

رسد. دکتر فلاح رفیع با اشاره به برخی آسیب های اداری افزودند: یکی از آسیب های اداری ما اینست که ارباب رجوع همواره احساس کوچکی و ترس نسبت به کارمندی دارد که قرار است به کار وی رسیدگی کنند، لذا همواره نگران اینست که نکند کارمندی از دست او ناراحت بشود و کار او را بی دلیل عقب بیندازد و امروز و فردا کند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت

گزارش از: سودابه شجاعی

به مناسبت روز کارمند و گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان رجایی و باهنر، مراسمی با حضور مسئولین و کارمندان دانشگاه در سالن شهید چمران دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. در این مراسم پس از تلاوت کلام الله مجید، دکتر احمدی ریاست محترم دانشگاه طی سخنانی به تشریح مسائل مربوط به دانشگاه و دستاوردهای بزرگ فرهنگی، علمی، آموزشی و پژوهشی پرداختند. دکتر احمدی با اشاره به اینکه دانشگاهیان مدیون زحمات گرانقدر، صبر و شکیبایی و دقت نظر کارمندان هستند، افزودند: کارمندان عزیز؛ با زحمات خود در طول سه دهه دانشگاه را به این مرحله از بلوغ و شکوفایی رسانده اند که امروز جزء بهترین دانشگاه های کشور قرار گیرد.

وی گفت: من و همکارانم در هیات ریسه دانشگاه همت زیادی را صرف بهبود شرایط کاری شما کارمندان داشته ایم و امیدواریم نتایج آن هر چه زودتر برای شما ملموس و رضایت شغلی شما را در پی داشته باشد.

ریاست دانشگاه درباره همکاری کارمندان در اجرای طرح راهبردی دانشگاه تاکید کرد: در زمینه طرح راهبردی دانشگاه روال های جدیدی تعریف شده که آینده دانشگاه را از نظر تعالی برون داد آموزشی و پژوهشی تامین کند و بسیاری از روال های این طرح در زمینه اداری طراحی شده که همکاری بیش از پیش شما کارمندان عزیز را می طلبد و از نیمه دوم امسال برای اجرای این طرح همگی باید بسیج شویم تا به اهداف مهم برنامه ششم دست یابیم.

وی در پایان از صبر و شکیبایی و خدمت رسانی ارزشمند کارمندان دانشگاه تشکر و قدردانی کرد و ابراز امیدواری نمود مسئولان دانشگاه نیز به نحو مطلوب و در حد امکانات دانشگاه وظایف خود را در قبال کارمندان انجام دهند.



مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.

Cheshmeh Cultural, Social, News Magazine TarbiatModares University

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سردبیر: مرتضی فاضلی
دبیر: تحریریه: سیامک شادکام
گرافیک: صفحه آر: سعید خیراله
مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیا مهر معرفت

ماهنامه‌ی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس
چشمه
CHESHMEH
سال سوم . شماره هیجدهم . مهر ماه ۱۳۹۴

۱۲
دانشگاه ما

استاد برگزیده جهانی مهندسی برق در گفتگو با چشمه:

آرزویم این است در علوم انسانی هم جزء بهترین‌ها باشیم



چندی پیش مطلع شدیم که ده نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در زمره یک درصد برتر دانشمندان جهان قرار گرفته‌اند. دکتر محمودرضا حقی فام عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر یکی از این افتخار آفرینان بود. در این شماره به سراغ ایشان رفته‌ایم تا پیرامون موفقیت اخیرش با او به گفتگو بنشینیم. وقتی با چند نفر از شاگردان او به گفتگو نشستیم تا درباره استادشان بیشتر بدانیم به چند ویژه مشترک رسیدیم. خوش اخلاقی و سخت کوشی.



گفتگو از: طاها رضوانی

در ابتدا خودتان را معرفی کنید؟

محمودرضا حقی فام متولد سال ۱۳۴۳ هستم. اصالتاً مراغه‌ای هستم. پدر و مادرم در مراغه زندگی می‌کنند (علاقه‌ی وافری به مراغه و باغداری و کشاورزی دارم. اگر عمر دوباره‌ای داشته باشم شاید کشاورزی می‌کردم). در رشته‌ی مهندسی برق با گرایش سیستم‌های قدرت تحصیل کرده‌ام. زمینه اصلی تحقیقاتم شبکه‌های توزیع، قابلیت اطمینان و امنیت در سیستم‌های قدرت و نیز شبکه‌های هوشمند می‌باشد. استاد تمام با ۲۰ سال سابقه‌ی کار در دانشگاه هستم و از ابتدای فعالیت دانشگاهی توفیق تدریس و تحقیق در دانشگاه تربیت مدرس را دارم.

پدر شما کشاورز هستند که شما هم علاقه به کشاورزی دارید؟

نه؛ علاقه‌ی من به دلیل این است در باغ و طبیعت بسیار بکر و زیبای آذربایجان بزرگ شده‌ام.

شما چند فرزند دارید؟

۲ فرزند دارم؛ فرزند پسرم فوق لیسانس برق و مخابرات در دانشگاه شریف با رتبه‌ی ۵ کنکور مشغول به تحصیل می‌باشند و دخترم هم سال آینده ان شالله کنکور می‌دهد که ایشان هم با توجه به استعداد زیاد ریاضی و فیزیک احتمالاً در رشته برق تحصیلات خود را ادامه خواهند داد. تحصیلات خود را در چه مقاطع و در کجا گذرانده‌اید؟

کارشناسی در دانشگاه تبریز، ارشد در دانشگاه تهران و دکترا را در دانشگاه تربیت مدرس گذراندم. همه مقاطع را هم با رتبه اول پشت سر هم گذاشتم. البته از دوره تحقیقات دکتری تا الان بصورت مستمر و تنگاتنگ در پروژه‌ها و تحقیقات مشترک با دانشگاه‌های آلمان بخصوص دانشگاه صنعتی آخن همکاری دارم.

در مورد موفقیت اخیرتان توضیحی می‌دهید؟

کلیت کار را عرض می‌کنم؛ در ایران بخصوص نسل ما شاهد سیر شتابان تحول آموزش عالی بودند ما از یک

و دانشجو تمایلی به حضور مرتب ندارند استاد به راحتی نمره می‌دهد و سیستم آموزشی هم بصورت انبوه فارغ التحصیل می‌کند و شهریه می‌گیرد به نظرم این موضوع باعث تباهی و انحطاط است. برای رشد علمی کشور باید تساهل و تسامح را کنار بگذاریم. شما مطالعه‌ی غیر درسی هم دارید؟

در علوم انسانی خیلی مطالعه دارم، احساس قطعی و قلیبیم این است کاش بهترین نیروهای ما بیشتر در این رشته مطالعه و تحصیل داشتند هم فضای کار فوق العاده است و هم کشور می‌تواند از حالت رخوت بیرون بیاید. بعضی مواقع مطالب داخلی و خارجی را که مطالعه می‌کنم متوجه می‌شوم که چقدر این علوم جای کار دارد ولی متأسفانه کسی به آن توجهی نمی‌کند. اگر رئیس جمهور شوید چه موضوعی را در اولویت قرار می‌دهید؟

توسعه‌ی فرهنگی به معنی واقعی و نه شعار. اهمیت توسعه فرهنگی و انسانی خیلی زیاد است. توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی سیاسی و... زیرمجموعه‌ی توسعه‌ی فرهنگی و انسانی کشور است. در مرحله دوم به اقتصاد مقاومتی برای حفظ پایه‌های قدرت کشور توجه می‌کنم.

اگر شما وزیر نیرو شوید چکار انجام می‌دهید؟

بهره‌وری در تمامی سطوح شبکه را افزایش میدهم. تغییر ساختاری مناسبی ایجاد می‌کنم. نسبت به حفظ و خرج بیت المال در این شرایط کشور، خیلی اهمیت می‌دهم. در عین حال به خاطر رشته‌ای که دارم می‌توانم فناوری‌ها و توسعه‌ی علمی جدیدی را ایجاد کنم.

اگر به شما بگویند که ۲ روز بیشتر در این دنیا نیستید، تنها کاری که انجام می‌دهید چیست؟

من همیشه این فرض را می‌کنم شاید برای شما جالب باشد من همیشه هفتگی وصیت نامه ام را به روز می‌کنم. معمولاً دوست دارم به اطرافیانم دوستانم بگویم که اگر کمی و کاستی از من دیدید واقعا اشتباه من بوده نه نیست و قصد بد. دوست دارم و حلالیت طلبی کنم.

چه اینجا باشند چه واحد جنوب و چه واحد شمال و... هر کجا که باشند بچه‌های ایران هستند و باید به آنها کمک کرد. من در بحث پژوهش و آموزش به هیچ وجه آدم سهل‌نگر نیستم بلکه بسیار جدی هستم. تعداد زیادی از اساتید گروه برق واحد جنوب از دانشجویان سابق من بودند. در عین حال که سخت‌گیری من برای توسعه‌ی علمی آنهاست.

دانشجویان آقای دکتر حقی فام را به چه چیزی می‌شناسند؟

خوش اخلاقی، جدی بودن در کار پژوهش، تعارف نکردن در نمره، خلاقیت و سخت کوشی این مورد آخر را خودم هم قبول دارم شاید بگویم بخاطر ترک بودنم است، پشتکار زیاد (واقعا در کار اصلاً خسته نمی‌شوم) این درست است در دروسی که شما ارئه می‌دهید نباید به نمره‌ی بالا در آن امیدوار بود؟

ایران باید به جایی برسد که دیگران به ما تأسی کنند و نه نگاه ما به کتاب، مقالات دیگران باشد، برای من ارزشمند است که توانسته‌ام قدم کوچکی در جهت این فرمایش و سیاست بردارم، در واقع نگاه ما به علم نباید همیشه به بیرون باشد بلکه باید باور کنیم که می‌توانیم تولیدات علمی داشته باشیم که دیگران دنباله‌روی تحقیقات ما باشند.

البته تولید علم فقط یک حلقه از زنجیره توسعه‌ی علمی و صنعتی است. صنایع و سیاستگذاران نیز برای تجاری سازی این علوم باید به وظایفشان عمل کنند.

بله. من نمره خیلی راحت نمی‌دهم و در امتحانات انتظارم بالاست. از دانشجویان انتظار دارم برای اینکه در دنیا سر پا بمانیم باید تلاش زیادی داشته باشند.

متأسفم که این را می‌گویم؛ سیستم مدیریت دانشگاه‌ها مشکل دارد بخصوص در غیرانتفاعی‌ها و آزاد حتی در دولتی‌ها هم متأسفانه بعضاً شاهد مشکلاتی هستیم. مدیریت دانشگاه‌ها، استادها و دانشجویان به یک توافق نانوشتنه‌ای رسیده‌اند که همدیگر را اذیت نکنند! به این معنی که استاد

ایشان شده بود بالای ۹۵ هزار بود! ما در رشته‌های مهندسی در ایران افراد به نامی را داریم که در حد ۵ یا ۶ هزار استاد به کارهایشان شده است.

در ایران هم در مورد این قضیه بحث است که علم ما چقدر نافع بوده و تولید علم یک تولید علمی جدی است یا نه؟ بنظر من تعداد ارجاعات، تنها معیار نیست اما معیار خوبی است و اخبار جدید منتشره نیز نشان داد خوشبختانه در این قسمت هم کشور ما پیشرفت کرده است. البته هدف ما بالا بردن این سنجه نیست بلکه اگر علم تولید شده در کشور ارزشمند بود اتوماتیک این معیار نیز تقویت خواهد شد.

هدف ما، نوشتن مقالات نیست چون این نوع هدف گذاری پایین آوردن سطح علم است. اگر ما کار علمی را درست انجام دهیم به دنبالش مقاله ایجاد خواهد شد. به هر حال اطلاعاتی که من پیدا کردم دانشگاه ما در فیله‌های مختلف بخصوص در شیمی که عمدتاً دوستان من بودند خیلی خوب درخشیدند. در مهندسی و بحث علوم کاربردی من را مطرح کرده بودند، این موارد برای من ایجاد انگیزه خاصی نمی‌کند و ما کار خودمان را انجام می‌دهیم و ان شالله پر قدرت تر از قبل. البته این مباحث توفیقی برای کشور است و باعث غرور است که مقالات تولیدی در کشور مورد استناد محققان دانشگاه‌های تراز اول دنیا بخصوص جهان غرب می‌باشد.

بنا بر فرمایش رهبری؛ ایران باید به جایی برسد که دیگران به ما تأسی کنند و نه نگاه ما به کتاب، مقالات دیگران باشد، برای من ارزشمند است که توانسته‌ام قدم کوچکی در جهت این فرمایش و سیاست بردارم، در واقع نگاه ما به علم نباید همیشه به بیرون باشد بلکه باید باور کنیم که می‌توانیم تولیدات علمی داشته باشیم که دیگران دنباله‌روی تحقیقات ما باشند.

شما علاوه بر تدریس در دانشگاه تربیت مدرس، گویا در دانشگاه آزاد تهران جنوب نیز تدریس می‌کنید. برخی می‌گویند اعتبار مقطع ارشد این دانشگاه در گرایش برق به شماست. چرا؟
جواب به این سوال را من نمی‌توانم بدهم. اعتقادم این است که دانشجویان

فضایی شروع کردیم که واقعا مفهومی از تولید علم در ایران نبود. تولید علم بعد از انقلاب اسلامی با تلاش اساتیدی شروع شد و ما هم راه آنها را ادامه دادیم. تولید علم در کشور توسعه پیدا کرده بطوری که هم اکنون از کشورهای مطرح در این حوزه در دنیا هستیم. در این میان یک معیار ارزشمند در زمینه کیفیت علم تولیدی، میزان استنادات به مقالات و علوم تولیدی است. در واقع باید دید که مقالات ما چقدر توسط مقالات دیگران مورد استناد قرار گرفته است.

یک ایراد خیلی بزرگ که به ما وارد می‌شود این است که رشد تولیدات علمی ما ممکن است زیاد باشد ولی ممکن است این شائبه پیش آید که این مقالات در توسعه علوم و فناوری نقشی نداشته باشد. معیار نسبت استنادات به مقالات تولیدی جواب این شائبه خواهد بود. خوشبختانه یکی از معیارهای علم

تولید علم بعد از انقلاب اسلامی با تلاش اساتیدی شروع شد و ما هم راه آنها را ادامه دادیم. تولید علم در کشور توسعه پیدا کرده بطوری که هم اکنون از کشورهای مطرح در این حوزه در دنیا هستیم. در این میان یک معیار ارزشمند در زمینه کیفیت علم تولیدی، میزان استنادات به مقالات و علوم تولیدی است. در واقع باید دید که مقالات ما چقدر توسط مقالات دیگران مورد استناد قرار گرفته است.

سنجی هم ناظر بر این موضوع بوده و نسبت استنادات به مقالات تولیدی که محققان در ده سال گذشته تولید کرده‌اند هر ساله توسط مراجع ذیربط گزارش می‌گردد. واقعیت این است که نمی‌گوییم وضع ما مطلوب است ولی حضور اساتید ایرانی در بالای لیست در علوم مختلف نشانگر افزایش کیفیت مقالات تولیدی در کشور می‌باشد. البته وضع ما مطلوب نیست و بعضی از دانشگاه‌های برتر در دنیا استنادات به مقالات اعضای هیئت علمی‌شان بسیار زیاد است. در یکی از رشته‌های علوم انسانی در دانشگاهی در آمریکا، تعداد استنادات علمی که به کارهای